

کافران چه می پرسند؟

نوشته: داکتر عبد الکریم ذاکر نایک

ترجمه: احمد مسیح فضلی

کافران

چه می پرسند؟

ترجمه: احمد مسیح فضلی

نوشته: داکتر عبد الکریم ذاکر نایک

کافران چه می پرسند؟

مجموعه ی مفید چند سوال عام بین
مسلمانان و غیرمسلمانان
که تا حال از جواب دادن به آن عاجز بودیم

نویسنده : داکتر ذاکر عبدالکریم نانیک

مترجم : احم مسیح فضل

الحمد لله و الصلاة والسلام على رسول الله

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾

دار الترجمة اصلاح تقديم مينمايد

dartarjuma@gmail.com

معرفی کتاب

نام کتاب : کافران چه می پرسند؟

نویسنده : داکتر عبدالکریم ذاکر نایک

مترجم : احمد مسیح فضل

تهیه و دیزاین : دار الترجمة اصلاح

شماره چاپ : اول

تیراژ : هزار جلد

تاریخ چاپ : عقرب سال 1390 هجری شمسی

ناشر : انتشارات اصلاح افکار

بخش نشرات جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان

آدرس : کابل ، خوشحال مینه ، ساحة الف ، عقب بلاکهای شاداب ظفر

کوچه اصلاح

آدرس انترنتی : www.EslahOnline.Net

Email: eslahmilli@gmail.com

تقدیم به پدرکلان مهربانم

که

فراق ایشان را همیشه احساس می کنم...

سخنی با خواننده

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله

ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم

خدای جهانیان را شکرگذارم که با توفیق او اینک باردیگر توانستم مجموعه سوالات و جوابات مفید دیگری را ترجمه و خدمت علاقمندان پیشکش نمایم. جلد اول این کتاب که در مدت کمتر از یکسال سه مرتبه به چاپ رسید یکی از پرفروش ترین کتاب های بازار بوده که مورد استقبال هموطنان بصورت اخص مورد توجه جوانان عزیز قرار گرفت و مرا واداشت تا به این کار خیر ادامه داده و به ترجمه جلد دوم آن دست یازیدم، امیدوارم کتابی را که اکنون در دست دارید نیز پیشامد خوب شما دوستان را در پی داشته باشد.

باید گفت که نسبت عدم ارتباطات و مراسلات با ناشر، کتاب قبلی متاسفانه با بعضی اشتباهاتی که در ترجمه داشت بدون تجدید نظر مکررا چاپ گردید، امید خوانندگان گرامی آنرا نادیده گرفته در صورت مشاهده اشتباهات در این کتاب ؛ به نشانی afghanprince.maseh@gmail.com در تماس شده ما را یاری نمایند تا چاپ های بعدی از کاستی ها مبرا گردد.

مجموعه ی سوالات و جواباتی که در این رساله کوچک بصورت بسیار مختصر گنجانیده شده حاوی مطالب دلچسپ بوده که اکثرا در جریان مباحثه و کنفرانس های آزاد، توسط افرادی با مولف در میان گذاشته شده که آگاهی کم و بیش از دین مقدس اسلام دارند، از اینکه مولف با اتکا به آیات قرآن پاک و استدلال منطقی پاسخ قناعت بخش به سوالات ارایه نموده است ؛ با جرات می توان گفت که رضایت شما را نیز در پی خواهد داشت .

جا دارد از دوست عالیقدرم عبدالمالک عطش که شاعر تازه کار و مستعد است و همچنان از برادرانم هریک احمد سیر فضل و احمد راشد عمر که در حرف چینی و اصلاح این کتاب مرا یاری رسانیده اند سپاسگذاری نمایم.

در خاتمه از جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان یکبار دیگر متشکرم که ضمن پذیرایی با جبین گشاده ، کار ناچیز م را گران شمرده و روحیه آنرا بخشیدند تا در این راستا بیشتر سعی و تلاش بخرچ دهم.

بااحترام - احمد مسیح فضل

پیشگفتار مترجم

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله

ربنا تقبل منانك انت سمیع علیم

خدای جهانیان را شکرگذارم که با توفیق او اینک باردیگر توانستم مجموعه سوالات و جوابات مفید دیگری را ترجمه و خدمت علاقمندان پیشکش نمایم. جلد اول این کتاب که در مدت کمتر از یکسال سه مرتبه به چاپ رسید یکی از پرفروش ترین کتاب های بازار بوده که مورد استقبال هموطنان بصورت اخص مورد توجه جوانان عزیز قرار گرفت و مرا وادار ساخت تا به این کار خیر ادامه دهم و اینک به ترجمه جلد دوم آن دست یازیدم و امیدوارم کتابی را که اکنون در دست دارید نیز از چنین صفت و پیشامد خوب شما دوستان برخوردار شود.

باید گفت که نسبت عدم ارتباطات و مراسلات با ناشر، کتاب قبلی متاسفانه با بعضی اشتباهاتی که در ترجمه داشت بدون تجدید نظر مکررا چاپ گردید، امید خوانندگان گرامی آنرا نادیده گرفته و در صورت مشاهده اشتباهات در این کتاب، با تماس به نشانی afghanprince.maseh@gmail.com در تماس شده ما را مورد لطف خود قرار دهید تا باشد از تکرار آن در چاپ های بعدی جلوگیری شود.

مجموعه ی سوالات و جواباتی که در این جزوه کوچک بصورت بسیار مختصر گنجانیده شده حاوی مطالب دلچسپ است که اکثرا در جریان مباحثه و کنفرانس های آزاد، توسط افرادی با مولف در میان گذاشته شده که آگاهی کم و بیش از دین مقدس اسلام دارند.

مولف با اتکا به آیات قرآن پاک و استدلال منطقی پاسخ قناعت بخش به اهل منطق و تدبیر ارایه نموده و امیدوارم مطالب مندرج مورد توجه و علاقمندی خوانندگان عزیز قرارگیرد .

جا دارد که از دوست عالیقدرم عبدالمالک عطش که شاعر تازه کار و مستعد است و همچنان از برادرانم هریک احمد سیر فضل و احمد راشد عمر که در حرف چینی و اصلاح این کتاب مرا یاری رسانیده اند تشکر کنم.

در اخیر از جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان یکبار دیگر اظهار سپاس و امتنان میکنم که ضمن پذیرایی با جبین گشاده کار ناچیز مرا گران شمردند و مرا جرئت بخشیدند تا در این راستا بیشتر سعی و تلاش بخرچ دهم.

بااحترام - احمد مسیح فضل

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب به سوالات آن عده غیر مسلمانانی که کم و بیش از اسلام آگاهی دارند

1- آیا قرآن توسط شیطان نوشته نشده ؟ (نعوذ بالله)

سوال: آیا چنین نیست که قرآن کریم کلام الله (ج) نبوده بلکه در عوض کاردستی شیطان باشد؟

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ

ترجمه: که این [پیام] قطعاً قرآنی است ارجمند

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ

ترجمه: در کتابی نهفته

جواب: در پاسخ به اتهام مشابهی که مشرکان مکه در زمان حیات پیامبر (ص) به قرآن کریم بسته بودند و می گفتند که محمد مصطفی (ص) (نعوذ بالله) وحی را از شیطان دریافت می نماید، آیت های زیر نازل گردید:

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

که جز پاک شدگان بر آن دست ندارند

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

ترجمه: وحیی است از جانب پروردگار جهانیان {قرآن کریم 56: 77-80}¹

1- عدد 56 شماره سوره را نشان می دهد و اعداد 77-80 دلالت بر شماره آیت ها دارند. این روش تا آخر کتاب اعتبار دارد.

"کتاب مکنون" به معنای کتاب خوب حفاظت شده است که دلالت بر لوح محفوظ در آسمان دارد و بجز "مطهرین" کسی دیگر به آن بصورت قطع دسترسی ندارد. "مطهرین" کسانی اند که هیچ نوع ناپاکی و آلودگی و اعمال زشت ندارند و از ارتکاب به هر نوع گناه پاک و منزّه اند. باید گفت که مراد از "مطهرین" فرشتگان است و یادآوری باید کرد که دسترسی شیطان به آن بصورت قطعی ممنوع است.

از این سبب ناممکن است که شیطان به لوح محفوظ نزدیک شود و یا مجال آنرا بیابد که به آن تماس حاصل کند پس سوال نوشتن این کتاب معجزه آسا و بزرگ توسط شیطان لعین بر نمی خیزد.

الله (ج) در سوره الشعراء به ما خاطر نشان می سازد:

وَمَا تَنْزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ

ترجمه: و شیطانها آن را فرود نیاورده‌اند

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَظِيلُونَ

ترجمه: و آنان را نسزد و نمی‌توانند [وحی کنند]

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَزُولُونَ

ترجمه: در حقیقت آنها از شنیدن معزول [و محروم]‌اند

{قرآنکریم 26: 210 - 212}

اکثر مردم در مورد شیطان با تصورات سوء مواجه اند. آنها به این باور اند که ممکن شیطان به استثنای چند مورد مشخص که اقدار و

(مترجم)

صلاحیت آن مختص به ذات الله (ج) است از عهده متباقی همه امور برآمده بتواند و به باور این عده اشخاص، شیطان با تفاوت اندک در قدرت با الله (ج) قرار دارد؛ و از سبب اینکه این گروه مردم نمی‌خواهند اعتراف کنند که قرآنکریم وحی الهی است در عوض می‌گویند که نعوذ بالله قرآنکریم کاردست شیطان است ولی غافل از این اند که اگر شیطان نویسنده قرآنکریم می‌بود، هرگز در سوره النحل اینطور بیان نمی‌کرد:

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

ترجمه: پس چون قرآن می‌خوانی از شیطان مطرود به خدا پناه بر
{قرآنکریم 16: 98}

آیا می‌پندارید که شیطان در کتابی که به دست خود نگاشته چنین یک رهنمود می‌دهد؟ آیا او به ما پیشنهاد می‌کند "قبل از اینکه کتاب مرا بخوانش بگیرید از الله (ج) بخواهید شما را از شر من در امان خود نگهدارد؟"

آیت‌های مشابه دیگر نیز در قرآنکریم وجود دارد و همه گواهی بر این دارد که قرآنکریم وحی الهی بوده و منشاء ربانی دارد و نویسنده آن شیطان نیست.

آیت 200 از سوره الأعراف شاهد بر گفته ی ماست:

وَأَمَّا يَنْزَغُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ترجمه: و اگر از شیطان وسوسه‌ای به تو رسد به خدا پناه بر زیرا که او شنوای داناست {قرآنکریم 7: 200}

اگر نعوذ بالله قرآنکریم دست نویس شیطان باشد چرا شیطان خطاب

به مخاطبان و پیروان خود بگوید که هرگاه آنها را به کاری تلقین کرد، باید از شر وی به الله (ج) که با او دشمنی آشکار دارد پناه ببرند.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

ترجمه: ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید و از گامهای شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست {قرآنکریم 2: 168}

نگاهی به آیت 60 سوره یس نیز می‌اندازیم:

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

ترجمه: ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را می‌پرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست {قرآنکریم 36: 60}

باید محتاط بود که شیطان بسیار زیرک است و شکی نیست این مفکوره را در ذهن انسان نیاندازد که او خود مولف قرآن است. اما با توجه به بزرگی الله (ج)، شیطان بکلی قابل مقایسه با ذات پاک و قادر او تعالی نیست و الله (ج) به مراتب بسیار با تدبیر تر نسبت به همه موجودات است. از آنجا که او اراده بد شیطان را از قبل می‌دانست جای شک نیست که بگوییم الله (ج) شواهد زیادی مبنی بر اینکه قرآنکریم کلام او تعالی است نه کلام شیطان در متن قرآن گنجانیده است.

2- قرآن حاضر قرآن اصلی و یا نسخه حضرت عثمان (رض)؟

سوال: در ابتدا قرآنکریم در چندین مجلد موجود بود که بعدها حضرت عثمان (رض) در دوره خلافت خود به جز یکی، متباقی همه را به آتش کشید. پس آیا قرآن موجوده وحی اصیل خداوند (ج) است و یا همان نسخه ایست که توسط حضرت عثمان (رض) جمع آوری گردیده؟

جواب: یکی از اسطوره های عام در باره ی قرآنکریم این است که خلیفه سوم اسلام، حضرت عثمان (رض)، نسخه فعلی قرآن را از میان چندین نسخه مختلف و ناقص گرد آورده و تصحیح کرده است. قرآنکریم را که به عنوان کلام خداوند (ج) تمام مسلمانان جهان به دیده احترام می نگرند، درست همان قرآنی است که بر پیغمبر ما، حضرت محمد مصطفی (ص)، 1400 سال قبل از امروز نازل گردیده بود. قرآنکریم در زمان حیات و تحت نظارت شخصی حضرت محمد (ص) تحریر و تصدیق گردیده است.

حالا جا دارد که ما ریشه ی اصلی این اسطوره را که حضرت عثمان (رض) قرآنکریم را تصحیح کرده ردیابی کنیم:

محمد (ص) متن نوشته شده قرآن را نظارت و تصدیق می نمود هنگامی که بر پیغمبر (ص) وحی نازل می گردید، نخست خود ایشان آنرا حفظ می کردند و بعد آنرا به صحابه (رض) تعلیم می دادند که آنها نیز به نوبه خود آنرا آموخته و به حافظه می سپردند. سپس

بی درنگ به کاتبان دستور می‌دادند که وحی نازل شده را کتابت نمایند و پیغمبر (ص) آنرا دوباره ارزیابی و تایید می‌کردند. پیغمبر (ص) امی بود، یعنی نه خوانده می‌توانست و نه هم می‌توانست بنویسد؛ بنابراین، بعد از نزول وحی، بلافاصله آنرا به یاران خود (رض) تکرار می‌نمودند و آنها موضوع را می‌نوشتند و آنحضرت (ص) نسخه‌های مکتوب شده را با قرائت دوباره توسط خود کاتبان بازخوانی می‌نمودند که اگر کاتبان در امر تحریر دچار اشتباه شده باشند، دوباره تصحیح شود و متن اصلاح شده را دوباره ارزیابی می‌نمودند. همین اصل ارزیابی برای حافظان قرآنکریم نیز در نظر گرفته شده بود طوری که آنحضرت (ص)، آیت‌هایی را که صحابه (رض) در حفظ آن دچار اشتباه و نقصان گردیده بودند، تصحیح و سپس تصدیق می‌نمودند و طبق این سیاست تمام قرآنکریم زیر نظر شخص پیغمبر (ص) به رشته ی تحریر درآمد.

ترتیب و ترادف قرآن از جانب الله (ج) الهام گردیده

قرآنکریم در مدت $22\frac{1}{2}$ سال قطعه قطعه و نظر به ضرورت زمان و مردم نازل گردید اما پیغمبر (ص) قرآنکریم را به ترتیب تاریخ نزول وحی گردآوری نکرده بلکه ترتیب و سلسله آیت‌ها و سوره‌های قرآنکریم از جانب الله متعال توسط فرشته مقرب، حضرت جبرئیل (ع)، برای پیغمبر (ص) دستور داده شده چنانچه پیغمبر (ص) هنگام انتقال وحی به صحابه (رض) هدایت می‌دادند که آیت جدید در کدام سوره و بعد از کدام آیت گنجانیده شود.

در هر ماه رمضان تمام بخش های قرآنکریم که قبلا نازل گردیده بود، به ترتیب سلسله کتابت با مشارکت پیغمبر (ص) و جبرئیل (ع) بازنگری و تایید می گردید و در آخرین ماه رمضان حیات مبارک حضرت محمد (ص) قرآنکریم دوبار مرور و تایید گردید. ازینجاست که می دانیم قرآنکریم در قید حیات مبارک، توسط شخص پیغمبر (ص) در هر دو شکل یعنی هم بصورت کتبی و هم در حافظه تعداد کثیر صحابه (رض) گنجانیده شده و مهر تایید بر آن وارد آمده است.

قرآن در روی یک ماده نقل گردید

قرآنکریم بصورت مکمل با سلسله ترتیب درست آیت ها چنانچه قبلا متذکر شدیم، در زمان حیات آنحضرت (ص) موجود بود اما آیت ها بالای قطعات مختلف از قبیل پوست حیوانات، تخته سنگ ها، برگ و پوست درخت های خرما، استخوان شانه حیوانات و غیره درج گردیده بود. بعد از رحلت پیغمبر (ص)، حضرت ابوبکر صدیق (رض)، خلیفه اول اسلام، دستور دادند تا قرآنکریم از اشیا و قطعات مختلف بروی یک ماده که به شکل ورقه های کاغذ امروزی بود نقل و همه با هم در یک محل نگهداری گردد؛ ورق های مذکور با تسمه ها بهم بسته شده بودند تا از تلف شدن و نابود شدن آنها جلوگیری صورت گیرد.

عثمان (رض) قرآن را از نسخه ی اصلی رونویس کرد

تعداد زیاد صحابه (رض) هر زمانیکه آیت ها را از زبان پیغمبر

(ص) می شنیدند نزد خود شخصی می نوشتند، از این سبب آیت هایی را که آنها می نوشتند از جانب آنحضرت (ص) ارزیابی نمیشد و امکان وجود اشتباهات در آن نسخه ها می رفت؛ از طرف دیگر تمام آیت هایی که به پیغمبر (ص) نازل می گردید به سمع فرد فرد صحابه نمی رسید زیرا در موقع نزول وحی همه ی صحابه بنابر موقعیت و شرایط زمان و مکان حضور نمی داشتند؛ از اینرو امکان زیاد وجود داشت که قسمت های مختلف قرآنکریم توسط صحابه متعدد ناشنیده باقی مانده و بیم آن می رفت که در نهایت زایل گردند. این امر سبب بروز اختلافات و نزاع میان مسلمانان در رابطه به محتویات و مندرجات قرآنکریم در زمان خلافت حضرت عثمان (رض)، خلیفه سوم اسلام، گردید. حضرت عثمان (رض) نسخه اصلی قرآنکریم را که توسط پیغمبر (ص) تصحیح و تایید گردیده بود و نزد ام المومنین حفصه (رض) نگهداری می شد به امانت گرفت و به 4 تن از صحابه که در زمان حیات پیغمبر (ص) در کتابت اولین نسخه های قرآنکریم مامور بودند فرمان داد تا به رهبری زید بن ثابت (رض) به تکثیر قرآنکریم به نقل از نسخه اصلی و کامل آغاز نمایند که بعد از تکمیل پروسه تحریر نسخه های جدید به مراکز عمده مسلمانان آنزمان فرستاده شد.

در آن روزگار کتیبه های شخصی و نا مکمل سوره های مختلف قرآنکریم نزد مردم وجود داشت که خالی از کاستی ها و اشتباهات نبود. حضرت عثمان (رض) دستور داد تا تمام نسخه های قرآن که با نسخه اصلی یکسان نیستند محو شوند تا متن اصلی قرآنکریم

محفوظ بماند. دو نقل از نسخه اصلی قرآنکریم که توسط خود پیغمبر (ص) تصدیق گردیده بود امروز هم وجود دارند که یکی در موزیم تاشکند و دیگری در موزیم توپکی شهر استانبول ترکیه نگهداری می‌شود.

نشانه‌های زیر و زبر برای عجم افزود گردید

نسخه اصلی قرآنکریم فاقد اشارات، که نشان دهنده واکه‌های زبان عربی هستند، می‌باشد. این واکه‌ها به نام زبر، زیر و پیش در زبان فارسی دری و به نام فتحه، کسره و ضمه در زبان عربی یاد می‌شوند. چون قرآنکریم به زبان عربی است، عرب‌ها برای ادای درست کلمات به اشارات نیاز نداشتند اما عجم‌ها بدون اشارات در تلفظ و ادای درست کلمات دچار مشکل بودند. این اشاره‌ها و علامه‌ها به روی متن قرآنکریم در زمان خلافت پنجمین خلیفه اموی، ملک بن مروان (66-68هـ)، و عصر ولایت الحجاج در عراق، معرفی گردید.

بعضی‌ها می‌گویند که نسخه موجودی قرآنکریم که حاوی اشاره‌ها و واکه‌ها است، کاملاً عین قرآنی که در زمان حیات آنحضرت (ص) موجود بود نیست؛ اما آنها فراموش نموده‌اند که کلمه‌ی "قرآن" به معنای "از بر خوانی، ذکر و بیان" است؛ بنابراین حراست تلفظ و ادای درست کلمات آن مطلوب است بدون در نظر داشت اینکه شیوه نگارش متن فعلی از متن اولی متفاوت است و یا متن فعلی دارای واکه‌ها است. از آنجا که معیار تلفظ در زبان عربی از آنزمان تا حال یکسان باقی است، پس واضح است که معنا نیز

یکسان باقی مانده است.

الله (ج) از قرآن حفاظت می‌کند

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

ترجمه: ما خود قرآن را فرو فرستاده‌ایم و خود ما پاسدار آن

می‌باشیم {قرآن کریم 9:15}

زمانیکه خداوند (ج) خود وعده کرده است که از کتاب بزرگ خود

نگهبانی می‌کند برای ما کافست و با استناد به آن با جرات می‌توان

گفت هیچ شبهه وجود ندارد که قرآن فعلی همان قرآنی نباشد که بر

پیغمبر بزرگوار اسلام، محمد مصطفی (ص)، 14 قرن قبل از امروز

نازل گردیده بود.

3- آیا اسلام خشونت را ترویج می‌دهد؟

سوال: آیا دین اسلام خشونت، بی‌رحمی و خونریزی را ترویج نمی‌دهد؟ زیرا قرآن‌کریم خطاب به مسلمانان می‌گوید: "هر کجایی که کافران را بیابید، به قتل برسانید!"

جواب: بصورت عموم تعداد زیاد غیر مسلمانان چند آیت مشخص قرآن‌کریم را بعضاً تعبیر نادرست می‌کنند تا اسطوره‌ای را که اسلام خشونت را ترویج کرده و پیروان خود را تشویق می‌کند تا کسانی را که خارج از آیین شان قرار دارند به قتل برسانند، جاودانی نگهدارند.

آیت سوره التوبه

اکثرا نکوهشگران اسلام بر آیت زیر از سوره/التوبه انگشت انتقاد بلند می‌کنند تا وانمود سازند که اسلام خشونت، وحشت، جانورخویی و خونریزی را گسترش می‌دهد. به نقل از این آیت:

فَاَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ

ترجمه: مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید {قرآن‌کریم 5:9}

این آیت در جریان نبرد نازل گردیده

نکوهشگران اسلام درحقیقت این آیت را خارج از اصل موضوع

بیان می‌دارند. هرگاه بخواهیم به عمق انگیزه برویم و شان نزول را بدانیم باید این سوره را از ابتدا یعنی از نخستین آیت بخوانش بگیریم. بعد از مطالعه در خواهیم یافت که یک پیمان صلح میان مسلمانان و مشرکین مکه به امضا رسیده بود که بعد ها توسط مشرکین مکه، با توصل به اجرای عمل خلاف صلحنامه منعقد، نقض گردید و سپس مدت چار ماه برای آنها مهلت داده شد تا اشتباه خود را جبران کنند در غیر آن علیه ایشان قتال آغاز می‌گردد. آیت 5 سوره التوبه خطاب به مسلمانان می‌فرماید:

فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصِرُوهُمْ وَأَقْعِدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ترجمه: پس چون ماه‌های حرام سپری شد مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند راه برایشان گشاده گردانید زیرا خدا آمرزنده مهربان است. {قرآنکریم 9:5}

باید یاد آور شد که این آیت در جریان نبرد نازل شده و حکم آن نیز فقط در میدان کارزار و نبرد اعتبار دارد.

مثال جنگ امریکا و ویتنام

تاریخ چندی قبل شاهد جنگ خونین میان امریکا و ویتنام است. تصور کنید رییس جمهور و یا فرمانده ارتش امریکا در میدان مبارزه

خطاب به سربازان خود می‌گوید "هر جا ویتنامی‌یی را دیدید، بکشید!" اگر امروز بدون ارایه‌ی جریان و انگیزه خطاب به بگوئیم که رییس جمهور امریکا می‌گفت "هر جا ویتنامی‌یی را دیدید، بکشید" قطعاً او را به مثابه یک قصاب معرفی می‌کنیم ولی اگر سخنان او را با ارایه‌ی چگونگی وضعیت زمان و مکان بازگویی کنیم یعنی بگوئیم که این دستور در میدان جنگ صادر شده، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد زیرا گفته می‌شود که او با گفتن این جمله خشن می‌خواست روحیه سربازان را تقویت کند.

این آیت برای تقویه روحیه نازل گردید

همانند مثال بالا، آیت 5 سوره/التوبه نیز در جریان نبرد نازل گردیده تا روحیه رزمندگان مسلمان تقویت شود. آنچه خداوند (ج) به رزمندگان مسلمان می‌گوید این است که در جریان محاربه هراسان نباشید و هر جا که با دشمن مقابل شدید ایشان را از دم تیغ بکشید.

پرش از آیت 5 به 7

ارون شوری یکی از سرسخت‌ترین بدبینان و نکوهشگران اسلام در هندوستان است. او در صفحه 572 کتاب خود بنام "*The World of Fatwahs*" آیت شماره پنجم سوره/التوبه را ذکر میکند و بیدرنگ به آیت شماره هفتم پرش می‌کند. اگر کمی دقت کنیم بخوبی دانسته می‌شود که او آیت ششم را از قلم انداخته و خواسته آنرا مخفی نماید.

جواب در آیت ششم است

آیت 6 سوره التوبه به این عقیده باطل که اسلام خشونت، وحشت و خونریزی را ترویج می‌دهد اینگونه پاسخ می‌دهد:

وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ

ترجمه: و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان چرا که آنان قومی نادانند {قرآنکریم 9:6}

الله (ج) تنها به پناه دادن آن عده مشرکانی که در جریان نبرد از مسلمانان پناهندگی می‌خواهند اکتفا نمی‌کند بلکه به مسلمانان دستور می‌دهد تا پناهنده را به منطقه مطمئن و با امن بدرقه کنند.

اگر به قوانین مبارزات مسلحانه بین المللی عصر حاضر نظر ببیندازیم حد نهایی عاطفه و صلح پسندی یک جنرال مهربان و صلح دوست ارتش در میدان جنگ ممکن این باشد که اگر سربازان دشمن تسلیم شوند و صلح بخواهند فقط رها شوند، اما هیچ فرمانده ارتش هرگز به سربازان و منسوبین خود نخواهد گفت که اگر سربازان دشمن هنگام مبارزه و نبرد صلح بخواهند، صرف به آزاد ساختن آنها اکتفا نکرده بلکه ایشانرا به محل مطمئن و امن نیز انتقال دهند! این کاملاً چیزی است که خداوند جهانیان (ج) به منظور حفظ و برقراری صلح در روی زمین بر بندگان مومن امر میکند.

4- اگر الله (ج) یکتاست، چرا در قرآن ضمیر "ما" استعمال شده؟

سوال: آیا دین اسلام بر وجود چندین خدا باور دارد زیرا قرآنکریم واژه "ما" را هنگام صحبت از الله (ج) بکار می‌برد؟

جواب: اسلام دینی است که بصورت قطعی به توحید عقیده دارد؛ توحید اصل و شیرازه ی دین اسلام است و روح اسلام باور دارد که الله (ج) یک است و در ذات و صفات خود شریک ندارد. الله (ج) در اکثر جاهای قرآنکریم خطاب به خود کلمه ی "ما" را استعمال می‌کند اما این امر به هیچ وجه دلالت به وجود چندین الهه در اسلام ندارد.

- اسم جمع دو نوع است:

در اکثر زبان ها دو نوع اسم جمع وجود دارد، نوع اول آن برای جمع اعداد استعمال می‌شود که دلالت بر کمیت بیشتر از "یک" دارد و نوع دیگر آن برای اظهار احترام بکار می‌رود.

الف: ملکه کشور انگلستان هنگام سخنرانی زمانی که به خود خطاب می‌کند لفظ *we* را که معادل "ما" در زبان دری است استعمال می‌کند. این قاعده بنام "*Royal Plural*" یاد می‌شود.

ب: صدر اعظم اسبق هندوستان، راجیف گاندی، بزبان هندی چنین می‌گفت: "هم دیکهنا چاهتی هین" که به معنای "ما می‌خواهیم ببینیم/بدانیم" است. کلمه "هم" در زبان هندی معادل "ما" در زبان دری است که به منظور احترام و نشان دادن بزرگی در

بین هندی‌ها استعمال می‌شود.

ج: مشابه به این قاعده در زبان عربی نیز چنین چیزی وجود دارد و زمانیکه الله (ج) به خود اشاره می‌کند، در اکثر موارد کلمه "نحن" را که معادل "ما" در زبان دری است، بکار برده است. این قاعده در مواردی که ذکر شد نشان دهنده ی بزرگی و جلال است، نه تعدد!.

توحید یکی از اساسات اسلام است. دین اسلام به وجود و وحدانیت تنها و تنها یک خدا عقیده دارد چنانچه واضح آمده است:

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

ترجمه: بگو اوست خدای یگانه. {قرآن کریم 112: 1}

5- نظریه ی نسخ در مورد قرآن

سوال: مسلمانان به نظریه ی نسخ بعضی از آیات قرآن عقیده دارند. به عبارت دیگر آنها به این باور اند که بعضی آیت های قرآن که در ابتدای اسلام نازل گردیده اند توسط آیت هایی که بعدتر نازل گردیدند منسوخ شده اند. آیا نسخ بعضی آیت ها به این معنا نیست که الله (ج) در ابتدا دچار اشتباه شده و بعد ها آنرا اصلاح کرده باشد؟
جواب:

دو تعبیر متفاوت

الله (ج) در سوره البقره می فرماید:
مَا نُنسخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ
اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ترجمه: هر حکمی را نسخ کنیم یا آن را به [دست] فراموشی بسپاریم بهتر از آن یا ماندش را می آوریم مگر ندانستی که خدا بر هر کاری تواناست. {قرآنکریم 2: 106}

مفهوم این آیت را در آیت 101 سوره النحل پیگیری کرده می توانیم. لغت عربی یی که اینجا ذکر شده "آیت" است، معنای آن "نشانه" و یا "یک جمله قرآنکریم" است. این آیت قرآنکریم را به دو صورت می توان تعبیر کرد:

الف: کتاب هایی که با نزول قرآن منسوخ شدند آن هایی اند که قبل از قرآنکریم نازل گردیده اند مانند تورات، زبور و انجیل. در اینجا الله (ج) می فرماید که هدف او فراموش شدن کتاب های قبلی نیست

بلکه او آنها را با چیز بهتر و یا حداقل مشابه عوض می‌کند، به این معنا که تورات، زبور و انجیل توسط قرآنکریم عوض شدند و قرآنکریم بدیل آنهاست.

ب: اگر تصور کنیم لغت عربی "آیت" را که در آیت بالا خواندیم به جمله های قرآنکریم دلالت دارد نه به کتاب های قبلی، پس اشاره به این است که هیچ آیت قرآنکریم منسوخ نگردیده بلکه الله (ج) آنها را با چیز بهتر و یا مشابه عوض نموده است. پس نتیجه می‌شود که بعضی آیت های قرآنکریم که در ابتدای اسلام نازل گردیده اند، با آیت هایی که بعدها نازل شدند عوض گردیدند - من با هردو تعبیر موافقت دارم!

اکثر مسلمانان و غیر مسلمانان تعبیر دوم را چنانچه باید، درک نکرده و به این باور اند که بعضی از آیت های قرآنکریم که در سلسله نزول وحی مقدم بودند حالا منسوخ اند و حکم اجرایی ندارند. این گروه مردم دچار اشتباه دیگری هم هستند و آن اینکه آنها به این عقیده اند که چنین آیت ها با یکدیگر در تضاد قرار دارند. بیا بید چند نمونه را بررسی کنیم:

کتابی مانند قرآن، 10 سوره یا 1 سوره

بعضی از مشرکان عرب ادعا می‌کردند که قرآنکریم ساخته ی دست محمد (ص) است و گویا آنحضرت (ص) آنها را جعل کاری از آن خود نبشته است. الله (ج) آنها را با نزول آیتی از سوره/الاسراء چنین درکارگاه آزمون خود قرار می‌دهد:

قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا

ترجمه: بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد هر چند بعضی ایشان بعضی را مددگار باشند. {قرآنکریم 17: 88}

در این آزمون بعدها در سوره هود تساهل صورت گرفت:
 أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَاَدْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ

ترجمه: یا می گویند این [قرآن] را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می گوید ده سوره بر ساخته شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می توانید فرا خوانید. {قرآنکریم 11: 13}

باز هم الله (ج) شرایط این آزمون را در سوره یونس آسانتر می سازد:
 أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهِ وَاَدْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ

ترجمه: یا می گویند آن را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می گوید سوره ای مانند آن بیاورید و هر که را جز خدا می توانید فرا خوانید. {قرآنکریم 10: 38}

بالاخره الله (ج) آزمایش را برای این گروه نهایت آسان می سازد و در سوره البقره ارشاد می نماید:

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهِ وَاَدْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ

ترجمه: و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید پس اگر راست می گوید سوره ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر خدا فرا خوانید.

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ
وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

ترجمه: پس اگر نکرديد و هرگز نمی‌توانيد کرد از آن آتشی که
سوختش مردمان و سنگها هستند و برای کافران آماده شده
بپرهيزيد. {قرآنکريم 2: 23 و 24}

چون آیت ها به تدریج نازل می شدند، الله (ج) این آزمون را به
مرور زمان ساده تر ساخت. در ابتدا الله (ج) خطاب به مشرکین
فرمودند که یک کتابی مانند قرآن بسازید، سپس فرمودند اگر می
توانید 10 سوره بسازید و باز هم شرایط را ساده تر ساخته فرمودند
اگر می‌توانید یک سوره بیاورید که در فصاحت و بلاغت مانند سوره
های قرآن باشد و در نهایت خطاب به آنان فرمودند که یک سوره‌ای
بسازید که حداقل مشابه (ممثله) به سوره‌های قرآن باشد.

جملاتی که در ابتدا تذکر دادیم با جملاتی که به تعقیب آن گفتیم
یعنی با آیت های 23 و 24 سوره البقره به هیچ وجه تضاد ندارند.
تضاد ذکر دوجیزی را گویند که وجود آنها همزمان ممکن نباشد و
یا همزمان به وقوع پیوستن هردو محال باشد.

آیت های متقدم قرآنکريم و یا چنانچه مشهور است، آیت های
منسوخ شده به هر صورت کلام الله (ج) اند و هدايات آن تا امروز هم
قابل اعتبار!

و اگر به آیت های فوق تعمق کنیم خواهیم دید که آزمایش
تخلیق کتابی مانند قرآنکريم تا امروز پابرجا است. به همین قسم
آزمایش تخلیق 10 سوره، یک سوره کاملاً متشابه و یک سوره کم و

بیش مشابه به قرآن‌کریم همچنان تا امروز پابرجا است. این آزمایش با آزمایش‌های قبلی در تضاد نبوده بلکه این ساده‌ترین آزمایش‌ها است که توسط الله متعال پیشکش گردیده. اگر کسی از آزمایش‌نهایی که از همه ساده است، موفق بدرآمده نتواند، در سه آزمایش قبلی که هر کدام از ماقبل مشکل‌تر است، به هیچ وجه موفق شده نمی‌تواند.

فرض کنید در باره‌ی یک شاگرد نالایق صحبت می‌کنیم که او از امتحان صنف دهم موفق بدر نمی‌آید، بعد بگوییم که او قادر نیست امتحان صنف پنجم را موفقانه سپری کند سپس بگوییم که حتا او قادر نیست در امتحان صنف اول موفق گردد. و در اخیر بگوییم او آنقدر تنبل و نالایق است که حتا در آزمون کودکان موفقی نیست. گردد (زیرا بعد از سپری نمودن دوره کودکان شامل مکتب می‌شویم). منظور درارایه‌ی مثال بالا این است که شخص مذکور آنقدر تنبل و نالایق است که حتا در آزمون کودکان موفقی نمی‌گردد. باید بگوییم که بین هر چار جمله بالا که تذکر دادیم تضاد وجود ندارد، بلکه جمله‌ی اخیر "او قادر نیست در امتحان کودکان موفقی گردد" کافی است تا نبوغ شخص مذکور را نشان دهد. در صورتی که کسی نتواند در کودکان کامیاب شود، سوال کامیاب شدن او در صنف اول، پنجم و دهم در منطق نمی‌گنجد!

منع تدریجی مسکرات

مثال دیگر از چنین قضیه‌ها، آیت‌هایی اند که در رابطه به تحریم

تدریجی مسکرات نازل شده اند. اولین آیتی که در ارتباط با مسکرات نازل گردیده، آیت 219 از سوره/البقره است:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا

ترجمه: درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند بگو در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم [در دنیا] است و[الی] گناهشان از سودشان بزرگتر است {قرآنکریم 2: 219}

آیت بعدی که در رابطه به مسکرات نازل شده جز سوره/النساء است که چنین حکایت میکند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید و [نیز] در حال جنابت [وارد نماز نشوید] مگر اینکه راهگذر باشید تا غسل کنید و اگر بیمارید یا در سفرید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نیافته‌اید پس بر خاکی پاک تیمم کنید و صورت و دستهایتان را مسح نمایید که خدا بخشنده و آمرزنده است. {قرآنکریم 4: 43}

آخرین آیتی که در رابطه به مسکرات و تحریم قطعی آن نازل

شده آیت 90 از سوره المائدہ است:
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ
مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه
پلیدند [و] از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که
رستگار شوید. {قرآنکریم 5: 90}

طوری که می‌دانیم قرآنکریم در مدت $22\frac{1}{2}$ سال نظر به
ضرورت زمان نازل و تکمیل گردید. اکثر اصلاحاتی که در جامعه
صورت گرفته، تدریجی بودند. این روند بخاطر ارایه ی قوانین جدید و
تساهل در پذیرفتن آن توسط مردم، صورت گرفت؛ زیرا تغییرات آنی
و جدی در جامعه سبب بروز تشنجات، اختلافات و انارشیزم می‌شود.
تحریم استفاده از مسکرات در 3 مرحله صورت گرفته است:

در مرحله اول صرف گفته شد که در استفاده ی مسکرات ضرر
فراوان و سود اندک نهفته است ولی ضرر آن بیشتر از سود آن است.
در مرحله دوم آیتی باین مفهوم نازل گردید که نماز نباید در
حالت مستی ادا شود، بر مبنای به این فرمان نماز خواندن در حالت
استفاده ی مسکرات ممنوع اعلام شد؛ به عبارت دیگر این رهنمود
اشاره بدان داشت که در جریان روز نباید از مسکرات استفاده کرد
زیرا یک مسلمان پنج بار در یک روز به ادای فریضه ی نماز می
پردازد. در روشنی این آیت دانسته می‌شود که در آزمان اگر
شبانگاه کسی نماز ادا نمی‌کرد و خواهان مصرف مسکرات می‌بود،
می‌توانست (در جریان شب) بنوشد.

این در حالی است که تا آزمان نوشیدن شراب بصورت قطعی با نص

صریح قرآنکریم ممنوع اعلام نگردیده بود. اگر در این آیت ذکر می شد که مسلمان می تواند هنگام ادا نکردن نماز از مسکرات استفاده نماید، در متن قرآنکریم تضاد واقع می گردید؛ از اینرو الله (ج) در بیان احکام، هدیایات، حکایات و در کل همیشه لفظ درست را بکار برده است.

بالآخره تحریم کلی استفاده از مسکرات در هر زمان را الله (ج) در

سوره المائدہ دستور داد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ
مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید {قرآنکریم 5: 90}

از اینجا دانستیم هر سه آیت که در بالا به آن ها اشاره شد بایکدیگر در تضاد واقع نیستند زیرا اگر متضاد می بودند، پیروی از هر سه دستور همزمان تحقق پذیر نمی بود؛ چون مسلمان باید پیرو تمام هدیایات قرآنکریم باشد و از آنجا که عمل به هر آیت واحد آن الزامی است، می تواند با پیروی از آخرین آیت {5: 90} همزمان از آیت های قبلی مطابعت کند.

بطور مثال اگر کسی بگوید در شهر جلال آباد¹ زندگی نمی کنم، سپس بگوید در ولایت ننگرهار² زندگی نمی کنم و در اخیر بگوید که

1 چون نویسنده به سطح جهان می نویسد، در این مثال از ایالت های امریکا نام برده اما برای فهم بهتر موضوع در ترجمه از محلات کشور

عزیز خود ما نام برده ایم. (مترجم)

در افغانستان زندگی نمی‌کنم... جملات متذکره یکدیگر را نقض نمی‌کنند بلکه هر جمله نسبت به جمله ی قبلی معلومات بیشتر ارایه می‌دارد؛ جمله ی اخیر جمله کلی و همه جانبه بوده و تمام معلوماتی را شامل می‌شود که در دو جمله ی قبلی قبلا تذکر داده شده است. پس صرف با گفتن "من در افغانستان زندگی نمی‌کنم" واضح می‌شود که گوینده نه در جلال آباد بسر می‌برد و نه در ننگرهار، همانند این مثال، چون مصرف مسکرات بصورت قطعی منع قرار گرفته، واضح است که ادای فریضه ی نماز در حالت مستی همچنان ممنوع است و مقوله ای که "در مسکرات ضرر فراوان و سود کم نهفته است و سود آن نسبت به زیان اندک است" نیز صحت دارد.

قرآن عاری از تضاد است

نظریه نسخ به این معنا نیست که در آیت های قرآنکریم (نعوذ بالله) تضاد وجود دارد زیرا امکان پیروی از هر آیت آن همزمان وجود دارد و اگر در لفظ قرآنکریم تضاد واقع باشد، قرآنکریم کلام واقعی الله (ج) بوده نمی‌تواند. به آیت زیر توجه کنید:

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ
اِخْتِلَافًا كَثِيرًا

ترجمه: آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند اگر از جانب غیر خدا بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند. {قرآنکریم 4: 82}

6- معنای حروف مقطعات

سوال: دیده می‌شود که بعضی سوره‌های قرآن با کلمه‌هایی چون *الم، حم، یس* و غیره آغاز می‌گردند، اهمیت این کلمه‌ها در ابتدای سوره‌ها چیست؟
جواب:

حروف مقطعات

الم، حم، یس و غیره بنام حروف مقطعات یا اختصاری یاد می‌شوند. زبان عربی دارای 29 حرف است (اگر همزه و *الف* دو حرف جدا محسوب شوند) و 29 سوره‌ی قرآن‌کریم با پیشوند حروف مقطعات آغاز می‌شوند. این حرف‌های اختصاری گاهی به تنهایی، گاهی با ترکیب دو، سه، چار و پنج حرف ظاهر می‌شوند.

الف: سه سوره تنها با یک حرف آغاز شده:

- سوره 39 ص با حرف "ص"
 - سوره 50 ق با حرف "ق"
 - سوره 68 ن یا سوره قلم با حرف "ن"
- ب: ده سوره با ترکیب دو حرفی آغاز می‌شود:
که از آن جمله 3 ترکیب صرف یکبار بکار رفته:

- سوره 20 طه با "ط" و "هـ"
- سوره 27 النمل با "ط" و "س"
- سوره 36 یس با "ی" و "س"

و "حم" در هفت سوره پیهم یعنی از سوره 40 تا سوره 46 آمده:

- سوره 40 غافر و یا المومن
- سوره 41 فصلات و یا حم
- سوره 42 الشورا
- سوره 43 الزخرف
- سوره 44 الدخان
- سوره 45 الجاثیه
- سوره 46 الاحقاف

ج: سه ترکیب سه حرفی که در چارده سوره بکار رفته اند:
الم در شش سوره آمده است:

- سوره 2 البقره
- سوره 3 آل عمران
- سوره 29 العنکبوت
- سوره 30 الروم
- سوره 31 لقمان
- سوره 32 السجده

"الر" در 5 سوره پیهم یعنی از سوره دهم تا سوره پانزدهم پیهم آمده:

- سوره 10 یونس
- سوره 11 هود
- سوره 12 یوسف

- سوره 13/الرعد
- سوره 14/براهیم
- سوره 15/الحجر
- ترکیب "طسم" در دو سوره آمده:
- سوره 26/الشورا
- سوره 28/التقصص
- د: ترکیب چار حرف دو مرتبه استفاده شده:
- المص: سوره 7 سوره الاعراف
- المر: سوره 8 انفال
- ه: ترکیب پنج حرف دیگر نیز دو مرتبه ذکر شده:
- سوره 19 مریم با "کهیص" آغاز می شود
- سوره 42/الشوری با "حم عسق" آغاز می شود
- نا گفته نماند که سوره/الشوری با دو ترکیب حروف مقطعات آغاز می شود که ترکیب اول مشتمل از دو حرف "حم" و ترکیب دوم "عسق" مشتمل از سه حرف است.

معنای حروف مقطعات

اگر بصورت کوتاه بگوییم معنا و مقصد این کلمات برای بشر نا مشخص است؛ ولی طی سالیان متمادی بعضی دانشمندان مسلمان تعبیر های گوناگون از این اختصارات کرده اند که بطور مثال چند تعبیر را اینجا نقل می کنیم:

1. این حرف ها می تواند شکل اختصاری بعضی جملات و کلمات

باشند بطور مثال: *الم* به معنای *انا الله* - و یا "ن" به معنای نور و غیره.

2. نظر دوم این است که این حرف ها شکل اختصاری هیچ چیزی نیستند بلکه سمبول ها و علامت نام های الله (ج) و یا نام چیزهای دیگری اند.

3. این حرف ها بخاطر سجع و قافیه بندی استعمال گردیده اند.

4. این حرف ها مانند حروف *بجد* اهمیت و قیمت های عددی دارند.

5. این حرف ها به منظور جلب توجه پیغمبر (ص) و متباقی شنوده ها استعمال شده است.

ناگفته نباید گذاشت که کتاب های متعدد در مورد اهمیت حروف مقطعات به طبع رسیده است.

بهترین تعبیر حروف مقطعات

بهترین تعبیر حروف مقطعات که تا حال توسط دانشمندان مختلف ارایه شده و مورد پشتیبانی تفسیر/بن کثیر، زمخشری و/بن تیمیه نیز قرار گرفته از این قرار اند:

بدن انسان متشکل از عناصر مختلف ابتدایی و اساسی است که در طبیعت پیدا می شوند؛ از آنجمله یکی خاک است. باوجود آن هم درست نیست که بگوییم وجود انسان کاملاً شبیه خاک است.

ما به تمام عناصری که وجود انسان از آن تشکیل شده دسترسی داریم و می توانیم چند لیتر آب را به آن بیافزاییم که این روند اساس

ساختمان جسم انسان را تشکیل می دهد ولی هیچگاهی قادر نخواهیم بود که انسانی بسازیم و باوجود آنکه عناصر تشکیل دهنده وجود انسان را می دانیم زمانیکه درباره ی رمز زندگی از ما پرسیده می شود جوابی داده نمی توانیم.

قرآنکریم متشکل از همان حرف هایی است که عرب ها با آن فصیحانه تکلم می کنند.

عرب ها بالای زبان خود بسیار فخر می کردند و در زمان نزول قرآنکریم زبان عربی در اوج شگوفایی ادب قرار داشت. با حرف هایی چون *الم، یس، حم* و غیره *الله (ج)* بشر را در معرض آزمایش قرار می دهد که اگر در حقیقت آن شک دارند سوره ای در زیبایی، موشگافی و ظرافت مشابه به قرآنکریم بسازند، اگر در حقیقت آن شک دارند. در ابتدا قرآنکریم تمام انس و جن را مخاطب قرار می دهد و می فرماید که کتابی مانند قرآنکریم بسازید و علاوه می نماید که اگر با پشتیبانی یکدیگر هردو متحدانه بکوشید نیز قادر نخواهید بود که چنین چیزی بسازید. این آزمایش در آیت 88 سوره *الاسراء* و آیت 34 سوره طور تذکر داده شده.

بعد از آن قرآنکریم در آیت 13 سوره *هود* این آزمایش را با پیشکش تخلیق 10 سوره مانند قرآنکریم تکرار می نماید و باز هم شرایط آزمایش را ساده تر ساخته در آیت 38 سوره *یونس* یک سوره مانند قرآن می خواهد و در اخیر سهل ترین پیشکش یعنی ساختار یک سوره کم و بیش مشابه به قرآنکریم پیشنهاد می شود. آیت 23 و 24 سوره *البقره* به این مسئله می پردازد:

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ

وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

ترجمه: و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک دارید پس اگر راست می‌گویید سوره‌ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر خدا فرا خوانید.

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

ترجمه: پس اگر نکردید و هرگز نمی‌توانید کرد از آن آتشی که سوختش مردمان و سنگها هستند و برای کافران آماده شده بترسید.

{قرآنکریم 2: 23 و 24}

اگر بخواهیم مهارت دو صنعتگر را آزمایش کنیم باید به آنها مقدار مواد خام و نمونه یکسان سپرده شود و از کار عملی آنها در اجرای پروژه واحد نظارت صورت گیرد. فرض کنیم اگر آنها خیاط باشند باید به هردو از یک پارچه تکه داده شود. مواد خام زبان عربی حرف های الف، ل، م، ی، س... هستند. شیوه خارق العاده ی زبان قرآنکریم بیانگر این حقیقت است که قرآنکریم کلام خداوند (ج) بوده و همچنان دیده می شود که ترکیبی از همان حرف هایی است که با بازی با آن مشرکان عرب افتخارات زیاد کسب کردند ولی تا اکنون موفق نشدند و نخواهند شد که نظیر آنرا بسازند!

عرب ها در فصاحت زبان، قدرت بیان، شیوایی در سخنرانی و کاربرد اصطلاحات پر مفهوم شهرت دارند. با توجه به مثال قبلی تنها با اینکه که اجزای تشکیل دهنده ی بدن انسان را می دانیم و میتوان به آن ها دسترسی داشته باشیم. همانند این، حرف هایی که

قرآنکریم از آن ها متشکل است مانند الف، ل، م... با این ها آشنا هستیم و برای ترکیب و ساختار جملات و کلمات از آن ها استفاده به عمل می آوریم. اگر توانایی درک تمام اجزای تشکیل دهنده وجود انسان را هم داشته باشیم، نمی توان انسانی خلق کنیم. با درنظرداشت اینکه با تمام حرف هایی که قرآنکریم متشکل از آن ها است آشنایی داریم نمی توانیم همانند اصطلاحات فصیح و زیبایی را بسازیم که در قرآنکریم با آن ها مواجه می شویم؛ پس از اینجاست که قرآنکریم منشاء الهی خود را به اثبات می رساند!

کیفیت معجزه آسای قرآن همواره بعد از حروف مقطعات ذکر شده از همین سبب الله (ج) به تعقیب این حرف های شکسته درمورد خاصیت معجزه وی و مقام الهی قرآنکریم زبان می گشاید؛ بطور مثال:

الم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

ترجمه: الف لام میم - این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت متقیان است. {قرآنکریم 2: 2و1}

7 - زمین هموار یا بیضوی؟

سوال: در قرآن کریم گفته شده که الله (ج) زمین را برای شما مانند فرش گسترانیده است. این کلام اشاره دارد که زمین هموار است. آیا این جمله با ساینس به اثبات رسیده امروز در تضاد واقع نیست؟
جواب:

زمین مانند فرش ساخته شده

این سوال به آیتی از سوره نوح بر می خورد:

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا

ترجمه: و خدا زمین را برای شما فرشی [گسترده] ساخت.

{قرآن کریم 71: 19}

اما مفهوم این جمله در آیت بعدی تشریح می شود یعنی آیت بعدی مکمل آن است و آیت اولی را شرح می کند. الله پاک (ج) مهربانی می کند:

لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا

تا در راههای فراخ آن بروید {قرآن کریم 71: 20}

شبهه این آیت، پیامی در سوره طه نیز وجود دارد:

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَّكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ

السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى

ترجمه: همان کسی که زمین را برایتان گهواره‌ای ساخت و برای شما در آن راهها روان کرد و از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله

آن نباتات گوناگون جفت جفت بیرون آوردیم. {قرآنکریم 20: 53} سطح زمین که قشر زمین هم به آن گفته می‌شود کمتر از 30 میل (48.27 کیلومتر) ضخامت دارد و در مقایسه با شعاع کره زمین که 3750 میل (6033.75 کیلومتر) طول دارد بسیار ناچیز و تقریباً هموار است. لایه‌های عمیقتر زمین بسیار داغ و مایع بوده که برای زندگی موجودات حیه نا مساعد است. قشر زمین یک پوشش جامد است که زندگی ما را در روی زمین امکان پذیر می‌سازد. الله (ج) به این پدیده اشاره نموده و قشر زمین را به فرش هموار شده تشبیه نموده است که ما می‌توانیم بالای آن زندگی، سفر و راه پیمایی نماییم.

فرش بالای سطح نا هموار نیز گسترده می‌شود

هیچ آیتی از آیت های قرآنکریم دلالت بر مسطح بودن کره زمین ندارد بلکه قرآنکریم تنها سطح زمین را با فرش مقایسه می‌کند. بعضی ها تصور می‌کنند که فرش صرف بالای سطوح کاملاً هموار قابل گسترش است و می‌توانیم فرش را بالای یک کره بزرگ مانند کره ی زمین نیز فرش نماییم. این موضوع را می‌توان با پیچانیدن قطعات متعدد فرش به دور یک جسم کروی با شعاع بزرگ که مثال کره زمین را تمثیل می‌کند، بخوبی مشاهده کرد.

فرش بصورت عموم بالای سطوحی گذاشته می‌شود که گشت و گذار بالای آن دشوار باشد و هنگام قدم زدن احساس تکلیف و ناراحتی شود. الله (ج) قشر زمین را به فرش تشبیه نموده که بدون موجودیت آن موجودات زنده نمی‌توانند بر اثر شدت گرمی اجسام سیال و

محیط نا مناسب تحت آن در روی زمین زندگی کنند.
از این سبب قرآنکریم نه تنها کاملاً کتاب منطقی است بلکه
حقیقت بزرگ علمی را که قرن‌ها بعد توسط زمین‌شناسان کشف
گردید در عصر پیامبر (ص) بیان می‌کند.

زمین مبسوط است

چنانچه در بالا تذکر به عمل آمد قرآنکریم در چند آیت به ما خبر
داده که زمین مبسوط و توسعه یافته است.

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ

ترجمه: و زمین را گسترانیده‌ایم و چه نیکو گسترانیده‌ایم

{قرآنکریم 51: 48}

همچنان در چندین آیت دیگر قرآنکریم بیان شده که زمین
پهن‌آور و گسترش یافته است:

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا

ترجمه: یا زمین را گهواره‌ای نگردانیدیم.

وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا

ترجمه: و کوهها را [چون] میخ‌هایی [نگذاشتیم]. {قرآنکریم: 78: 76}

ازهیچ آیت قرآنکریم کوچکترین استنباط نمی‌شود که زمین
مسطح و هموار باشد. قرآنکریم تنها اشاره به فراخ بودن و وسیع
بودن زمین دارند و دلیل آن اینطور آمده است:

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ

ترجمه: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید زمین من فراخ است

تنها مرا بپرستید. {قرآنکریم 29: 56}

از اینجاست که به هیچ کس هیچ عذری باقی نمی‌ماند و نمی‌تواند در روز محاسبه استدلال کند که به سبب عوامل محیطی ناگوار و شرایط نامناسب زندگی کارهای خوب انجام داده نمی‌توانست و یا به جبر متوصل به اجرای کارهای ناشایسته می‌گردید.

زمین شکل بیضوی دارد

الله متعال (ج) شکل اصلی زمین را در آیت 30 سوره النازعات

چنین بیان نموده:

وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا

ترجمه: و پس از آن، زمین را غلتاند و (به شکل بیضی درآورد و)

گستراند {قرآنکریم 79: 30}

لغت عربی "دحاها" به معنای "تخم شکل" است و همچنان به معنای "پهناء، وسعت و گسترش" نیز بکار می‌رود. "دحاها" از "دحی" مشتق شده که بصورت مشخص به تخم شتر مرغ اطلاق می‌شود که دارای شکل بیضوی است و کاملاً همانند شکل کره زمین است.

از این آیت ها و آیت هایی که پیش از این گذشت نتیجه می‌شود که قرآنکریم و علم تثبیت شده ی امروزی کاملاً در توازن و هماهنگی قرار دارند.

8- تشخیص جنسیت طفل در بطن مادر

سوال: در قرآن گفته شده که تنها ذات الله (ج) جنسیت طفل را بطن (رحم) مادر می‌داند اما حالا در علم طب پیشرفت وسیع صورت گرفته و می‌توانیم به آسانی جنسیت طفل را توسط التراسونوگرافی در بطن مادر تشخیص دهیم. آیا این آیت با علم طب ناهم‌آهنگ نیست؟
جواب:

الله (ج) قادر مطلق است و واقف از همه چیز! او بر تمام چیزهای آشکار و پنهان علم دارد ولی علم بعضی چیزها را به بشر اعطا نموده است.

الله (ج) بر همه چیز علم دارد

اکثر مردم به این باور اند که در قرآن کریم آیتی وجود دارد دال بر اینکه الله (ج) ادعا نموده که تنها ذات پاک او جنسیت طفل را در بطن مادر می‌داند.

قرآن اینگونه شهادت می‌دهد:

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

ترجمه: در حقیقت خداست که علم [به] قیامت نزد اوست و باران را فرو می‌فرستد و آنچه را که در رحمهاست می‌داند و کسی نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد و کسی نمی‌داند در کدامین سرزمین می‌میرد در حقیقت خداست [که] دانای آگاه است. {قرآن کریم 31: 34}

مشابه به آیت بالا پیام دیگری در سوره الرعد نیز وجود دارد:
اللّٰهُ يَعْزِمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ اُنْثٰى وَمَا تَغِيْضُ الْاَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ
شَيْءٍ عِنْدَهٗ بِمِقْدَارٍ

ترجمه: خدا می‌داند آنچه را که هر ماده‌ای [در رحم] بار می‌گیرد و
[نیز] آنچه را که رحمها می‌کاهند و آنچه را می‌افزایند و هر چیزی
نزد او اندازه‌ای دارد. {قرآنکریم 13: 8}

جنسیت طفل و التراسونوگرافی

امروز بنابر پیشرفت علم طب به آسانی می‌توان جنسیت طفل را
توسط معاینه التراسونوگرافی در بطن مادر حامله تثبیت کرد.

کلمه "جنسیت" در متن قرآن نیامده

می‌دانم که اکثر مترجمان و مفسران این آیت قرآن عظیم الشان
را طوری تعبیر نموده‌اند که تنها الله (ج) جنسیت طفل را در بطن
مادر می‌داند. اگر متن عربی این آیت را بخوانیم با لغتی که معادل
"جنسیت" در زبان دری باشد، مواجه نمی‌شویم. در حقیقت خداوند
(ج) می‌گوید: علم چیزی که در بطن مادر قرار دارد تنها و تنها در
نزد او تعالی است. تعداد زیاد علما و دانشمندان در درک معنای
اصلی این آیت دچار اشتباه شده و به این باور اند که تنها الله (ج)
جنسیت طفل را در بطن مادر می‌داند؛ که این تعبیر نادرست از این
آیت قرآنکریم است.

هیچ کس بجز الله (ج) خوی و خاصیت طفل را نمی داند

این آیت دلالت به جنسیت طفل در بطن مادر ندارد بلکه بیان نموده که تنها الله تعالی (ج) میداند طفلی که در بطن مادر قرار دارد چگونه خواهد بود؛ طبیعت او چگونه خواهد بود؟ آیا او برای والدین نعمت است یا سبب لعنت و نفرین؟ آیا او سبب نجات جامعه خواهد شد یا سبب هلاکت و فلاکت؟ آیا او شخص خوب بار می آید و یا بد؟ آیا او وارد بهشت خواهد شد و یا دوزخ؟ علم کامل این همه تنها و تنها نزد ذات اقدس اوست.

هیچ دانشمند جهان، هر قدر عالم بزرگ باشد و وسایل پیشرفته در اختیار داشته باشد، قادر نخواهد بود تا در باره ی طفلی که در بطن مادر قرار دارد بصورت دقیق بر چیز هایی که متذکر شدیم آگاهی پیدا کند.

9- حور

سوال: نظر به وعده در قرآن زمانیکه مردان داخل بهشت می شوند حور (زنان بهشتی نهایت زیبا) تصاحب می کنند پس زمانیکه زنان وارد بهشت شوند چه چیز را صاحب می شوند؟
جواب:

کلمه "حور" در قرآن

کلمه "حور" در قرآن کریم 4 بار ذکر شده:

كَذَٰلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ

ترجمه: [آری] چنین [خواهد بود] و آنها را با حوریان گشاده

چشم همسر می گردانیم. {قرآن کریم 44: 54}

مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ

ترجمه: تکیه زده بر تخت های برابر یکدیگر گسترده و ایشانرا به

حوران گشاده چشم جفت کنیم. {قرآن کریم 52: 20}

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ

ترجمه: حورانی پرده نشین در [دل] خیمه ها. {قرآن کریم 55:

72}

وَحُورٌ عِينٌ

ترجمه: و برای شان حوران گشاده چشم است. {قرآن کریم 56: 22}

کلمه "حور" "دوشیزه های زیبا" ترجمه شده

تعداد زیاد مترجمان قرآن کریم کلمه "حور" را دوشیزه های زیبا

ترجمه نموده اند که این امر بخصوص در ترجمه های اردو عمومیت دارد! اگر "حور" به معنای "دوشیزه های زیبا" و یا "دخترهای باکره" باشد پس این صرف برای مردان وعده داده شده است. سوال اینجاست: زمانی که زنان وارد بهشت می شوند برای آنها چه در نظر است؟

معنای کلمه "حور"

کلمه "حور" در اصل صیغه جمع "احور" و صیغه جمع "حورا" است که "احور" برای مردان و "حورا" برای زنان استعمال می شود. کلمه "حور" به کسی اطلاق می شود که دارای چشم های منحصر به فرد و مخصوص باشد و این کیفیت به کسانی ارزانی می شود که دارای نفس پاک اهم از مذکر و مونث در بهشت هستند؛ و تاکید به سفیدی بیش از حد قسمت سفید چشم های تخیلی حور دارد.

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالَُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنُؤُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

ترجمه: و کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود که از زیر [درختان] آنها جویها روان است هر گاه میوه ای از آن روزی ایشان شود می گویند این همان است که پیش از این [نیز] روزی ما بوده و مانند

1- حور را اکثر مترجمان قرآن کریم، زبان دی نیز "دوشیزه های زیبا" ترجمه کرده اند - مترجم

آن [نعمتها] به ایشان داده شود و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند. {قرآنکریم 2: 25}

قرآن پاک در چندین آیت از اینکه برای بهشتیان "ازواج" میسر است دست باز نداشته؛ "ازواج" معنای جوره و همدم را افاده میکند و این آیت ها خبر می دهند که در بهشت برای بهشتیان همسران پاک و ناب مهیا میگردد؛ بطور مثال:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا

ترجمه: و به زودی کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درآوریم برای همیشه در آن جاودانند و در آنجا همسرانی پاکیزه دارند و آنان را در سایه‌ای پایدار درآوریم. {قرآنکریم 4: 57}

از این سبب کلمه حور جنسیت مشخص ندارد؛ به عبارت دیگر کلمه حور هم به جنس مذکر و هم به جنس مؤنث دلالت دارد. محمد اسد (مترجم قرآنکریم به زبان انگلیسی) حور را همسر و عبدالله یوسف علی (مترجم قرآنکریم به زبان انگلیسی) آنرا همدم و همراه ترجمه نموده اند. بنابر این نظر به تعبیر این گروه دانشمندان، مردان حور را که مراد از آن دوشیزه ی زیبا با چشم های بزرگ و رخشنان است در بهشت صاحب می شوند و برای زنان نیز حور که مراد از آن مردهایی است با چشم های بزرگ و رخشان است میسر می شود.

10- اثبات وجود الله برای ملحد

سوال: چطور می توانید ثابت سازید که این کائنات مالک و آفریدگاری دارد و اینکه الله (ج) خالق تمام هستی و موجودات است؟
جواب:

مبارکباد به ملحد

اولین جمله ای که هنگام ملاقات با ملحدان به ایشان می خواهیم بگویم این است: "برای تو بسیار مبارکباد می گویم!" زیرا اکثر مردم که به وجود خدا ایمان دارند، ایمان شان مبنی بر باور های کورکورانه است. بطور مثال شخصی که عیسوی است بخاطری عیسوی است که والدین او عیسوی هستند، اگر کسی دیگری مذهب خود را هندویزم انتخاب کرده، انتخاب مذهب او بر مبنای مذهب پدر و مادر اوست یعنی والدین او هندو هستند... اکثر مردم جهان از سبب نادانی و بصورت کورکورانه دین و آیین پدران و اجداد خود را تعقیب می کنند. اما برخلاف کسانی که به وجود خدا عقیده ندارند و یا ساده تر بگوییم ملحد هستند، حتی اگر او مربوط به یک خانواده مذهبی نیز باشد، از فکر خود استفاده کرده و وجود معبود را مردود می شمارد و هر تصور و مشخصاتی که در دین خانوادگی خود راجع به خدا شنیده برایش منطقی به نظر نمی رسد از اینرو به وجود خدا باور ندارد تا آنجا که از وجود هر نوع معبود منکر است.

ممکن برادران مسلمانم از من بپرسند که "ذاکر، چرا به ملحدان مبارکباد می گویی؟" من بخاطری به او مبارکباد می گویم زیرا او

قسمت اول کلمه شهادت را قبول دارد که عبارت از "لا اله" است یعنی "هیچ معبود وجود ندارد". پس یک حصه از کاری که باید انجام دهم از پیش اجرا شده، حال تنها چیزی که باقی مانده "الا الله" است که امیدوارم انشاءالله آنرا نیز به او به اثبات برسانم؛ برخلاف با دیگر غیر مسلمانانی که ملحد نیستند، ابتدا باید مفکوره غلط که درباره خدا در ذهن دارند آنرا برطرف کنم سپس تصور حقیقی الله (ج) را برای شان تعریف کنم تا قناعت شان فراهم شود.

تصور منطقی الله

نخستین پرسش من از ملحد همواره این بوده: تعریف معبود (خدا) چیست؟ باید بخاطر داشت که اگر کسی بگوید که معبود (خدا) وجود ندارد، حتما او باید معنای خدا را بداند.

اگر یک کتاب را در دست داشته باشم و بگویم که "این یک قلم است" شخص مقابل که بگوید "این قلم نیست" او باید تعریف قلم را بداند حتا اگر او چیزی که در دستم است نشناسد و یا آنرا بخاطر آورده نتواند. اگر او بگوید که این قلم نیست حد اقل باید بداند که قلم چه است و کلمه قلم به چی اطلاق می شود.

به عین شکل زمانی که یک ملحد می گوید "خدا وجود ندارد" حد اقل باید مفهوم خدا را بداند. تصور خدا ممکن ناشی از اشیای موجود در محیط و ماحول باشد که او در آن محدوده زیست می کند و خدایی که مردم آنرا عبادت می کنند صفت های بشری داشته باشد از اینرو او به چنین معبود عقیده ندارد؛ مسلمانان نیز به وجود چنین

یک معبود عقیده ندارند و باید هم نداشته باشند.

اگر یک غیر مسلمان به این باور باشد که اسلام دین بی رحمی و بربریت است که ارتباط به دهشت افگنی (تروریزم) دارد، دینی است که حقوق زنان را پایمال می کند، دینی است که با ساینس در تضاد قرار دارد، با دید کوتاهی که این شخص درباره اسلام دارد، درست است که بگوید اسلام (نعوذ بالله) دین الهی نیست و اسلام را قبول نکند. مشکل او این است که او تصویر نادرست از اسلام در سر می پروراند، با این وصف من هم این نوع تصویر نادرست اسلام را رد می کنم ولی از جانب دیگر من حیث یک مسلمان بالايم فرض می گردد تا تصویر واقعی اسلام را برای این غیرمسلمان آشکار سازم.

اسلام دین مهربانی و صلح پسندی است، اسلام حقوق مساوی برای زنان و مردان قایل است و اسلام در مغایرت با منطق، دلیل و ساینس قرار ندارد. اگر پرده ظلمت را که بر حقایق اسلام قرارداده شده برای آن غیر مسلمان بگشاییم امیدوار هستیم که انشاءالله اسلام را به حیث بهترین شیوه زندگی بپذیرد.

ملحدان نیز معبودان ناحق را مروت می شمارند و بر هر مسلمان است تا تصویر درخشان اسلام و مفهوم اصلی خدا را به آنها تعریف کند که او انشاءالله آنها را می پذیرد.

(برای معلومات مزید به مقاله ی "تصور خدا در اسلام" که در این رابطه نوشته ام مراجعه کنید - مولف)

قرآن و ساینس جدید

روش هایی که برای اثبات وجود خداوند (ج) با استفاده از بعضی مواد در مقاله "تصور خدا در اسلام" بیان کرده ام ممکن قناعت بعضی ها را فراهم سازد ولی قناعت همگان را فراهم نمی سازد.

بصورت عموم ملحدان دلیل علمی بر وجود الله (ج) طلب می کنند. می دانیم که امروز عصر ساینس و تکنالوژی است پس بیاید با یک تیر دو فاخته را شکار کرده همزمان با اثبات وجود الله (ج) اینرا هم ثابت سازیم که قرآنکریم از جانب او فرود آمده است.

اگر یک شی و یا یک ماشین جدید که احدی آنرا قبل از این ندیده، درباره آن نشنیده و با آن آشنایی نداشته باشد، به یک ملحد و یا هر شخص دیگر نمایش داده شود و از او پرسیده شود "چه کسی می تواند مشخصات و جزییات این شی نا آشنا را بیان کند" بعد از اندک تأمل او خواهد گفت: "خالق آن" یا می گوید "تولید کننده آن" و یا هم شاید بگوید "سازنده آن" ... هر آنچه در جواب بگوید از همین قبیل خواهد بود؛ آنرا پذیرفته و به حافظه بسپارید.

برای معلومات بیشتر در مورد حقایق علمی موجود در قرآنکریم لطف نموده به کتاب "قرآن و ساینس جدید - سازگار یا ناسازگار ۱" که در این رابطه به رشته تحریر درآورده ام توجه فرمایید.

علم نظری احتمالات

یک شاخه علم ریاضیات احتمالات نام دارد که نظر به آن اگر دو گزینه داشته باشیم که یکی آن صحیح و دیگری غلط باشد، چانس اینکه گزینه صحیح را انتخاب کنیم 50٪ است که بشکل ریاضیکی آنرا بصورت $1/2$ نشان می دهند.

همچنان زمانیکه یک سکه را بطرف بالا پرتاب کنیم احتمال حدس درست 50٪ است. اگر بار دوم همان سکه پرتاب شود، این بار نیز 50٪ احتمال وجود دارد که حدس ما درست باشد؛ اما چانس اینکه هر دو مرتبه را درست حدس کرده باشیم، احتمال نیم در نیم است یعنی $1/2 \times 1/2$ که مساوی به $1/4$ است و یا به عبارت دیگر 50٪ از 50٪ که مساویست به 25٪. اگر بار سوم نیز سکه پرتاب شود چانس اینکه هر سه مرتبه گمان ما درست باشد $1/2 \times 1/2 \times 1/2$ است که نتیجه 1/8 می گردد و یا 50٪ از 50٪ از 50٪ که اگر ساده تر بگوییم نتیجه 12.5٪ بدست می آید.

اگر یک مکعب مربع را در نظر بگیریم که در هر وجه آن یک عدد از 1 تا 6 درج باشد و آنرا پرتاب کنیم سپس از جمله اعداد یکی را انتخاب کنیم، احتمال اینکه ما حدس درست کرده باشیم 1/6 است. اگر بار دوم آنرا پرتاب کنیم چانس حدس درست در هر دو مرتبه $1/6 \times 1/6$ است که مساویست به $1/36$ و اگر بار سوم آنرا پرتاب کنیم چانس حدس درست در هر سه مرتبه $1/6 \times 1/6 \times 1/6$ یعنی $1/216$ که کمتر از 0.5٪ است بدست می آید.

بیایید قرآنکریم را با این روند آزمایش کنیم. فرض کنید شخصی

تمام معلومات قرآنکریم را که همه و همه در آنزمان میبهم و کشف نشده بودند بر حدس و گمان جمع آوری کرده باشد. حالا روش احتمالات را بالای این فرضیه که این همه حدس و گمان همزمان دقیق واقع شده بتواند تطبیق می‌کنیم.

در روزگارانی که نزول سوره های قرآنکریم جریان داشت بشر به این باور بود که زمین هموار است باوجودیکه گزینه های دیگر نیز درباره شکل زمین وجود داشت؛ می توانستند زمین را مثلثی بخوانند و یا به اشکال دیگری چون مربع، مخمس، مسدس ... ، دایروی، کروی وغیره. فرض کنیم 30 گزینه مختلف در مورد شکل زمین وجود داشت اما می بینیم که قرآنکریم به درستی شکل زمین را بیضوی بیان کرده است. اگر این گفته مبنی بر حدس می بود، احتمال صحت آن 1/30 می بود.

در قرآنکریم تذکر داده شده که نور ماه اشعه منعکسه است. اگر این مورد نیز بر گمان استوار باشد، چانس صحت آن 1/2 است و اینکه هردو گمان درست باشند، احتمال گمان درست نظر به قانونی که قبلا متذکر شدیم $1/60 = 1/2 \times 1/30$ است.

اگر از این فراتر برویم قرآنکریم بیان نموده که هر موجودزنده از آب آفریده شده. نویسنده قرآن می توانست از گزینه های دیگری چون چوب، سنگ، مس، المونیم، آهن، نقره، طلا، اکسیجن، نایتروجن، هایدروجن، شحم، سمنت، کانکریت وغیره که در اختیار داشت استفاده کند و بگوید که تمام موجودات از یکی دیگر از این عناصر یا مرکبات خلق گردیده اند. بطور مثال فرض کنیم گزینه

هایی که در اختیار داریم در حدود 10000 باشد. قرآنکریم چه خوب واقعیت بزرگ را بیان کرده که در ساختار همه چیز آب بکار رفته؛ اگر این حقیقت را نیز فرضیه قبول کنیم و بگوییم بطور حدس در قرآنکریم گنجانیده شده باشد، چانس اینکه این فرضیه صحیح باشد $1/10000$ است.

هرگاه احتمال حقیقت بودن هر سه فرضیه (زمین شکل بیضوی دارد، روشنایی ماه نور منعکسه است و اینکه در ساختار همه چیز آب وجود دارد) را یکجا محاسبه کنیم، داریم:

$1/30 \times 1/2 \times 1/10000$ حاصل $1/60000$ بدست می آید

که تقریباً مساوی به 0.0017% است.

می دانیم که قرآنکریم در مورد صد ها چیز دیگر که در زمان نزول، کسی از آنها آگاهی نداشت زبان می گشاید. در اینجا ضرورت به محاسبه تمام آنها دیده نمی شود زیرا دیدیم که فقط از ارزیابی سه مورد احتمال صحت گمان به 0.0017% می رسد، اگر همه مواردی که تا آنزمان مبهم بودند بر بنیاد حدس و گمان استوار بوده و درج قرآنکریم می گردیدند، در حالیکه همه و همه کاملاً صحیح و حتا یک مورد هم اشتباه نباشد، کار به کجا می رسید که متباقی محاسبات را به خوانندگان محترم محول می سازیم.

باید گفت که گمان کردن همه این حقایق بدون کوچکترین اشتباه کاریست نهایت دشوار و از دایره سلطه ی بشر خارج! این نشانه برای انسان دانا و با منطق دلیل کافی براین است که قرآنکریم منشاء الهی دارد و از جانب خداوندگار جهان بر رسولش نازل شده.

الله (ج) نویسنده قرآن است

در اخیر به اصل موضوع می‌پردازیم. یگانه پاسخ در مورد اینکه چه کسی می‌تواند این همه حقایق علمی را 1400 سال قبل از اکتشافات بیان کند که با منطق سازگاری دارد کاملاً همان پاسخی است که در ابتدای بحث به آن پرداختیم. کسی که قادر است این همه حقایق را قبل از کشف بیان کند عبارت از خالق، سازنده، مالک، تولید کننده... تمام کائنات و موجودات است که در زبان انگلیسی آنرا **God**، {در زبان دری خداوند - مترجم} می‌خوانند و یا اگر بهتر و مناسبتر بگوییم لفظ الله است که در زبان عربی کاربرد دارد.

قرآن کتاب نشانه‌ها است نه ساینس

باید یادآور شویم که قرآن‌کریم کتاب ساینس نه بلکه کتاب آیات (نشانه‌ها) است. قرآن کتابی است که مشتمل بر بیشتر از 6000 آیت است که از جمله بالغ بر 1000 آیت از ساینس خبر میدهد. منظور من از این گفته این نیست که با استفاده از علم ساینس قرآن‌کریم را کلام الهی ثابت کنیم زیرا اگر ساینس را پشتیبان قرآن‌کریم عنوان کنیم، با این کار علم ساینس را بالاتر از قرآن‌کریم تلقی کرده ایم در حالیکه عکس این قضیه صحت دارد.

برای ما مسلمانان قرآن فرقان است به عبارت دیگر معیار قضاوت بین درست و نادرست و اعلی‌ترین میزان است که بی‌نهایت بالاتر از علم ساینس قرار دارد؛ اما برای یک ملحد با تحصیل و بادانش، علم ساینس اعلی‌ترین مرجع است که او بدان باور دارد.

همه می‌دانیم که علم ساینس در اکثر موارد مواجهه با فراز و نشیب می‌شود، از این سبب کوشیده‌ام مثال‌ها را تنها بر موازین حقایق علمی به اثبات رسیده که با ثبوت و شواهد پشتیبانی می‌شوند مقید سازم نه با نظریات که بر مبنای گمان‌ها و فرضیه‌ها استوار است زیرا نظریات همواره تا آنکه به اثبات می‌رسند بارها مورد تایید و رد دانشمندان قرار می‌گیرند.

از اینرو خواستم با استفاده از عالی‌ترین مقیاس ملحدان که عبارت از علم ساینس است و به آن سخت‌اتکا دارند به ایشان ثابت سازم که قرآن‌کریم کلام خداوند (ج) بوده و مشتمل بر حقایق علمی است که اخیراً به اثبات رسیده‌اند. در حالیکه قرآن‌کریم 1400 سال قبل از امروز از آنها خبر داده است.

در اخیر مباحثه به این نتیجه می‌رسیم: با وجودیکه علم الله (ج) نهایت فراتر و وسیع‌تر از ساینس است ولی هیچگاه با حقایق به اثبات رسیده ساینسی ناسازگار نیست.

ساینس انواع خدا را محوه می‌کند نه خدا را!!

فیلسوف مشهور، فرانسس بیکن^۱، چه زیبا گفته:

با خبری اندک از علم ساینس انسان را به الحاد می‌کشاند اما مطالعه عمیق علم ساینس انسان را معتقد به خدا (مسلمان) می‌سازد.

امروز دانشمندان و محققان انواع خدا را محوه می‌نمایند نه خدا را!!

1-Francis Bacon

اگر این جمله را به زبان عربی برگردان کنیم عبارت زیر بدست می آید:

"لا اله الا الله" نیست هیچ معبود برحق مگر الله (ج)....

سَتُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ
أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

ترجمه: به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ای گوناگون] و در
دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود
حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است
{قرآنکریم 41: 53}

11- آیا قلب مسوول فهم و ادراک است؟

سوال: الله (ج) در قرآن فرموده که بر قلب های کافران مهر نهاده و آنها ایمان نمی آورند. اما امروز ساینس ثابت ساخته که مغز مسوولیت ادراک و اعتقاد را به عهده دارد نه قلب! آیا قرآنکریم با ساینس در تضاد نیست؟

جواب:

خداوند (ج) بر قلب کافران مهر نهاده

پیرامون این موضوع به این آیت از سوره البقره توجه کنید:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ترجمه: در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند چه به ایشان بیم دهی و چه بیم نه دهی یکسان است [آنها] نخواهند گروید [ایمان نمی آورند].

خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

ترجمه: خداوند بر دل‌های آنان و بر شنوایی ایشان مهر نهاده و بر دیدگانشان پرده‌ای است و آنان را عذابی دردناک است. {قرآنکریم 2: 6 و 7}

"قلب" در عربی هم به معنای "دل" و هم "عقل"

کلمه عربی "قلب" که در این آیت ذکر شده هم معنای دل را افاده می‌کند و هم معنای فهم و عقل را می‌رساند. پس این آیت به این معنا هم است که خداوند (ج) بر بینش کافران مهر نهاده بنابراین این نمی‌تواند بدانند و باور کنند.

"قلب" مرکز ادراک

در زبان عربی کلمه "قلب" برای مرکز ادراک و فهم انسان نیز بکار می‌رود.

گاهی معنای لفظی و مجازی بعضی کلمات متفاوت است در زبان انگلیسی نیز تعداد زیاد لغات وجود دارد که معنای حقیقی و مجازی آنها از همدیگر متفاوت است و در معنای مجازی برای افاده چیزهای دیگر بکار می‌رود، نظیر مثال‌های ذیل:

الف: Lunatic – ماه زده

معنای لفظی کلمه Lunatic در زبان انگلیسی ماه (مهتاب) زده است. اما امروز این اصطلاح برای شخص مجنون و یا کسی استعمال می‌شود که از نظر روانی دچار مشکل باشد در حالیکه همه می‌دانند که یک شخص مجنون و یا یک مریض روانی ماه زده نیست؛ جالب اینکه حتا داکترهای طب نیز این اصطلاح را بکار می‌برند. باید یاد

1- دل و قلب در زبان دری مترادف یکدیگر اند. نباید دل را با سنگم و یا معده چنانچه بصورت مخوم مروج است اشتباه کرد -

آور شد که چنین تغییرات و تحولات واژه ها در سیر تکامل هر زبان مسئله طبیعی تلقی می گردد.

ب: Disaster – ستاره بدبختی

معنای اصلی کلمه Disaster ستاره بدبختی است ولی امروز این اصطلاح برای مصیبت بزرگ و غیر منتظره و یا فاجعه بکار می رود. ما همه بسیار خوب می دانیم که مصیبت و بلا هیچ رابطه ای با ستاره بدبختی ندارد.

ج: Trivial – سه راهی

کلمه Trivial به معنای سه راهی و یا محل اتصال سه سرک است. اما حالا این اصطلاح برای چیز جزئی، کم اهمیت و ناچیز استعمال می شود. اگر دقت کنیم، کاربرد این اصطلاح بسیار جالب است زیرا چیز بی اهمیت و جزئی هیچ رابطه با سه راهی ندارد.

د: طلوع و غروب آفتاب

معنای لغوی کلمه "طلوع" برخاستن آفتاب است. امروز در حالی کلمه طلوع را بکار می بریم که اکثریت می دانند که زمین به دور محور خود و همچنان به دور آفتاب در گردش است یعنی زمین دارای دو نوع حرکت، وضعی و انتقالی است که این امر سبب پدید و ناپدید شدن آفتاب می شود. با وجود این حتا منجمان نیز کلمه طلوع و غروب را بکار می برند در حالیکه همه بخوبی می دانیم هنگام طلوع آفتاب بر نمی خیزد همچنان هنگام غروب آفتاب نمی نشیند!

"قلب" مرکز محبت و احساسات

"قلب" در زبان انگلیسی (و دری - مترجم) به آن عضو بدن اطلاق می‌شود که مسوول رساندن خون در سایر اعضای بدن است؛ همین کلمه همچنان برای مرکز تفکر، محبت و احساسات نیز استعمال می‌شود. باوجود این هرگاه کسی بخواهد احساسات نیک خود را ابراز کند می‌گوید: "ترا از اعماق قلب دوست دارم!"

فرض کنید یک ساینسدان به همسرش می‌گوید: "من ترا از اعماق قلب دوست دارم" و همسرش در جواب می‌گوید: "آیا توا از اساسات ساینس و طب بی‌خبر هستی، زیرا مغز مسوول احساسات و محبت است نه قلب!"

پس به این منظور درعوض باید گفته شود: "ترا از اعماق مغز دوست دارم!!!"

عرب‌ها می‌دانند...

هیچگاه برای عرب‌ها سوال مطرح نمی‌شود که چرا خداوند (ج) بر دل‌های کافران مهر نهاده و (پرده افکنده) زیرا آنها می‌دانند که در اینجا کلمه قلب به عقل و فهم دلالت می‌کند.

12- بت جهت تمرکز افکار استعمال می‌شود

سوال: علما و پیشوایان مذهبی هندو (پندت‌ها) معتقد اند که کتاب ویداس و دیگر کتاب‌های مذهبی هندوها بت پرستی را مجوز نمی‌دانند ولی برخلاف بر این باور اند که در اوایل بخاطر اینکه افکار منجمد بماند و از مغشوش شدن در امان باشد حضور بت جهت تمرکز محور توجه هنگام عبادت ضروری پنداشته می‌شود؛ اما زمانیکه فکر به درجه عالی هوشمندی و حد رشد کامل برسد، در این وقت است که دیگر نیاز به حضور بت‌ها جهت تمرکز افکار محسوس نمی‌شود.

جواب:

مسلمانان به درجه عالی هوشمندی رسیده‌اند

اگر ضرورت به بت و مجسمه تنها در مرحله‌های ابتدایی احساس می‌شود و نه در مرحله‌های بعد زمانیکه رشد افکار به حد اعظمی و درجات عالی هوشمندی می‌رسد پس من ادعا می‌کنم که مسلمانان قبلاً به حالت رشد کامل و قله‌های بلند هوشمندی رسیده‌اند زیرا مسلمانان حین پرستش الله پاک (ج) به بت و مجسمه برای تمرکز افکار نیاز ندارند.

پریش کودک در مورد رعد

چندی قبل در جریان بحث در مورد بت پرستی و اسلام با یک

پیشوای هندو در دفتر کارم در بنیاد تحقیقات اسلامی^۱؛ پیشوای هندو گفت زمانیکه کودک در مورد رعد از ما می‌پرسد که چرا و چطور به وقوع می‌پیوندد در جواب می‌گوییم که "مادر کلان در آسمان آرد آسیاب می‌کند" (معادل این اصطلاح را در زبان دری نیز بکار می‌بریم و هنگام وقوع رعد برای کودکان می‌گوییم: بابِه غُرْغُرِ غرش می‌کند) زیرا او هنوز بسیار کوچک است که علت اصلی را درک کند و سبب آنرا بداند؛ به این قیاس افراد نیز در مرحله‌های ابتدایی جهت تمرکز نیاز به بت و مجسمه دارند تا به وسیله آن حواس پریشان را در یک نقطه متمرکز سازند. می‌دانیم در اسلام درغوبی جا ندارد حتا اگر دروغ، دروغ مسالمت آمیز نیز باشد. من هرگز به فرزند خود چنین جواب نادرست ارایه نمی‌کنم زیرا بعد ها که او به مکتب برود و بداند که صدای غرش در آسمان قبل و در جریان باران بعد از روشنایی برق از سبب توسعه‌ی سریع هوای گرم است، او تصور می‌کند که معلم درغگوست و یا اگر بعد ها به حقیقت پی ببرد به این نتیجه خواهد رسید که من در بیان واقعیت کوتاهی کرده راستگو نبوده‌ام. اگر تصور می‌کنید که کودک از درک بعضی مطالب مغلق سر در نمی‌ناورده و گیج می‌شود، در بدل پاسخ غلط و موهوم پاسخ ساده تر برایش ارایه کنید و اگر پاسخ درست را خودتان نیز نمی‌دانید باید کوشش کنید فرزندتان راستگو و صادق بار آید و در جواب بگویید "من نمی‌دانم!". اما امروز اکثر کودکان را این

1- IRF (Islamic Research Foundation)

پاسخ (من نمی‌دانم) قانع نمی‌سازد. اگر این پاسخ به فرزند من داده شود او در جواب می‌گوید: پدر تو چرا نمی‌دانی؟ این امر مرا مجبور می‌سازد تا خود در جهت کسب معلومات کوشیده سپس فرزندم را نیز آموزش دهم.

کسانیکه در صنف اول به بت جهت تمرکز نیاز دارند...

بعضی پندت‌ها می‌خواستند مرا در مورد پرستش بت‌ها معتقد بسازند و می‌گفتند که در صنف اول پرستش خداوند (ج) به وسیله تمرکز بالای بت‌ها برای شاگردان تعلیم داده می‌شود اما زمانیکه او از مکتب فارغ می‌شود، نیاز مبرم به بت و مجسمه جهت تمرکز حواس هنگام پرستش ندارد.

یک حقیقت بسیار مهم که باید در نظر گرفته شود اینست که اگر اساسات یک مضمون از ابتدا قوی و مستحکم باشد فقط در آنصورت است که در آینده می‌توان بر آن مضمون تفوق حاصل کرد؛ بطور مثال معلمی را در نظر می‌گیریم که در صنف اول به شاگردانش می‌آموزاند $2 + 2 = 4$ صرف نظر از اینکه شاگردان از مکتب فارغ شوند، به درجه لیسانس نایل آیند و یا دکتورای خود را در رشته ریاضیات اخذ نمایند اساسات علم ریاضی همچنان باقی می‌ماند یعنی $2 + 2 = 4$ است و به 5 و 6 تغییر نمی‌کند. ممکن در صنف‌های بالاتر بر علاوه عملیه جمع، شاگردان در مورد الجبر، مثلثات، لوگاریتم و غیره نیز بیاموزند ولی اساسات جمع پابرجا باقی می‌ماند.

اگر معلم اساسات را در صنف اول درست بیان نکند، از شاگردان چطور در آینده توقع می‌رود که از عهده مسایل پیچیده تر بر آیند و

بر مشکلات تفوق جویند؟

یکی از اصول اساسی کتاب ویداس در رابطه به تصور الله (ج) اینست که الله (ج) تصویر ندارد، سپس چگونه دانشمندان هندو حتا بعد از دانستن این حقیقت بزرگ در مقابل عملکرد غلط مردم خاموشی اختیار کرده و آنرا کتمان می‌کنند؟

آیا شما به فرزندان که متعلم صنف اول است می‌گویید که 2 جمع 2 مساوی به 4 نه بلکه مساوی به 5 و یا 6 است و پاسخ صحیح را بعد از فراغت از مکتب به وی اعتراف می‌کنید؟ هرگز! در حقیقت اگر او دچار اشتباه شده باشد او را متوجه ساخته و می‌گوییم که پاسخ درست 4 است و تا فراغت او انتظار نمی‌کشیم و باید در نظر داشت که اگر او را متوجه اشتباهش نسازیم به یقین که آینده او را به دست خود به باد هلاکت سپرده ایم!

13- الله (ج) بر قلب های کافران مهر نهاده

سوال: اگر خداوند (ج) بر قلب های کافران مهر نهاده، چرا آنها در قبول نکردن دین اسلام و ایمان نه آوردن به الله یگانه مسوول شمرده می شوند؟
جواب:

الله (ج) بر قلب کافرانی مهر نهاده که پیهم حقیقت اسلام را رد می کنند
برای تحلیل و تجزیه این موضوع نخست آیت های 6 و 7 سوره
البقره را مطالعه می کنیم:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنْذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
ترجمه: در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند چه بیمشان دهی چه
بیمشان نه دهی بر ایشان یکسان است [آنها] نخواهند گروید [ایمان
نمی آورند].
خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ
عَذَابٌ عَظِيمٌ

ترجمه: خداوند بر دلهای آنان و بر شنوایی ایشان مهر نهاده و بر
دیدگانشان پرده ای است و آنان را عذابی دردناک است. {قرآنکریم
2: 6 و 7}

مراد از این دو آیت تمام کافرانی که اسلام را نمی پذیرند نیست.
در آیات بالا چیزی که جالب توجه است "الَّذِينَ كَفَرُوا" است و دلالت
به آنانی دارد که پیوسته دین اسلام را رد می کنند و در نپذیرفتن آن

پافشاری دارند و اگر این گروه افراد را بترسانی و یا نه، بیم ندارند و کاملاً بی‌باک اند زیرا هرگز ایمان نمی‌آورند.

خداوند (ج) بر دل‌ها و گوش‌های آنان مهر نهاده و بر چشم‌های شان پرده است؛ و اینکه کافران نمی‌دانند و ایمان نمی‌آورند از این سبب نیست! بلکه عکس آن است یعنی از سبب این است که این عده کافران همواره مصمم بر رد حقیقت دین مبین اسلام هستند و چنانچه قبلاً متذکر شدیم دین اسلام را مردود شمرده و بر نپذیرفتن آن موضع‌گیری دارند؛ پس اگر آنها را بیم دهی و یا نه ایمان نمی‌آورند. از این سبب در این قضیه خداوند (ج) مسوولیت ندارد و این کافران هستند که پیوسته مصمم بر رد دین اسلام هستند؛ از اینجاست که مسوول کرده‌های خود شمرده می‌شوند.

پیشگویی معلم در مورد شاگرد

تصور کنید که یک معلم با تجربه قبل از رسیدن امتحان نهایی در مورد یک شاگرد مشخص خود پیشگویی می‌کند که او در امتحان کامیاب نخواهد شد زیرا شاگرد مذکور بسیار شریر، مضر و بی‌ادب است تا آن حد که حتا وظایف خانگی را اجرا نمی‌کند؛ اگر بعد از سپری شدن امتحان و اعلان نتایج شاگرد متذکره موفق به اخذ نمره کامیابی نشود، شما کی را مقصر می‌دانید؟ معلم را و یا شاگرد را؟ صرف بخاطر پیشبینی معلم و اینکه پیشبینی او تحقق پذیرفت نمی‌توان معلم را مقصر دانست بلکه این شاگرد است که مسوول کرده‌های خود شده و سرنوشت خود را رقم زده!

14- خلقت زمین و آسمان در 6 روز یا 8 روز؟

سوال: در قرآن بارها گفته شده که آسمان ها و زمین در 6 روز خلق گردیده اند اما در سوره فصلت گفته شده که خلقت آسمان ها و زمین در 8 روز صورت گرفته. آیا این یک تضاد آشکار در قرآن نیست؟ در این آیت گفته شده که زمین در 6 روز و بعد از آن آسمان ها در 2 روز خلق گردیده اند. قضیه متذکره برخلاف نظریه انفجار عظیم است چون آسمان ها و زمین همزمان خلق شده اند.

آسمان ها و زمین در 6 روز خلق شده اند

من هم با این گفته موافقت دارم که به رویت شواهد قرآنکریم خلقت زمین در 6 روز به عبارت دیگر در 6 یوم بوقوع پیوسته و این حقیقت در آیت های زیر آشکار است:

- سوره الاعراف آیت 54
- سوره یونس آیت 3
- سوره هود آیت 7
- سوره الفرقان آیت 59
- سوره السجده آیت 4
- سوره ق 38
- سوره الحديد 4

آیت هایی که به نظر بعضی از مردم دلالت بر خلقت آسمان ها و

زمین در 8 روز دارند 4 آیت از سوره فصلت است که به آن اشاره می‌کنیم:

قُلْ أَنْتُمْ لَتَعْكُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ
أَنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ

ترجمه: بگو آیا شما نامعتقد می‌شوید به آن کسی که زمین را در
دو روز [دوره] آفرید و برای او همتیانی قرار می‌دهید این است
پروردگار جهانیان.

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي
أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءٍ لِّلْسَائِلِينَ

ترجمه: و در [زمین] از فراز آن [لنگرآسا] کوهها نهاد و در آن
خیر فراوان پدید آورد و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه‌گیری
کرد [که] برای خواهندگان درست [و متناسب با نیازهایشان] است.
ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا
أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ

ترجمه: سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد و آن دود بود پس به
آن و به زمین فرمود خواه یا ناخواه بیایید آن دو گفتند فرمان‌پذیر
آمدیم.

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَواتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا
وَرَبَّيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

ترجمه: پس آنها را هفت آسمان در دو روز دیگر ساخت و در هر
آسمانی تدبیر آنرا وحی فرستاد و آسمان دنیا را به چراغ‌ها [ستاره
ها] بیاراستیم و نگاهداشتیم [از شیاطین]، این تدبیر خدای غالب

داناست. {قرآنکریم 41: 9-12}

اگر به این آیت ها سرسری نگاه کنیم، تصور می شود که کار خلقت آسمان ها و زمین واقعا در 8 روز به اتمام رسیده است. خداوند (ج) در آغاز این آیت می فرماید کسانی که از معلومات مندرج این آیت ها به منظور بوجود آوردن شک در مورد صحت آن در دل مردم استفاده می کنند برابر با کسانی اند که کفر و الحاد را ترویج می دهند و از یکتایی ذات پاک و بی شریک او منکر اند. خداوند (ج) ما را با خبر می سازد که در صفحات روزگار کسانی ظهور خواهند کرد که خود ایمان ندارند و از معنای ظاهری این آیت ها استفاده سوء می کنند.

"ثُمَّ" به معنای "مزید بر این" است

اگر به این آیت ها توجه کنیم و آنرا بصورت دقیق مطالعه کنیم، این آیت ها از دو خلقت جداگانه بحث می کنند: آسمان ها و زمین زمین به استثنای کوه ها در 2 روز خلق شده و کوه ها در 4 روز بالای زمین با تمام نعمت ها و برکت های نهفته در آن استوار و اندازه شدند.

از اینرو نظر به آیت های 9 و 10 زمین همراه با کوه ها در 6 روز خلق شده اند. آیت های 11 و 12 می گویند، مزید بر این آسمان ها در 2 روز بوجود آمده اند. کلمه عربی یی که در آغاز آیت 11 سوره فصلت استعمال شده "ثُمَّ" است که به معنای "سپس" و یا "مزید بر آن" است. از جمله مترجمان قرآنکریم بعضی ها "ثُمَّ" را "سپس" ترجمه

کرده اند که از روی متن مفهوم "به تعقیب آن" و "بعد از آن" را
ارایه می‌کند.

اگر "ثُمَّ" به اشتباه "سپس" و یا "بعد از آن" ترجمه گردد،
مدت خلقت آسمان ها و زمین 8 روز می شود که با سایر آیت های
قرآنکریم که به خلقت آسمان ها و زمین در 6 روز اشاره دارند و با
واقعۀ انفجار عظیم در تضاد قرار می گیرد. باید بگوییم که در این
حالت این آیت با آیت 30 سوره الانبیا متضاد می شود که بیان می
دارد آسمان ها و زمین همزمان بوجود آمده اند.

پس ترجمه درست لغت "ثُمَّ" در این آیت "مزید بر آن" است.
عبدالله یوسف علی (مترجم قرآنکریم به زبان انگلیسی - مترجم)
لغت "ثُمَّ" را به درستی "مزید بر آن" ترجمه کرده است که
بصورت آشکار بیان می دارد زمانیکه زمین همراه با کوه ها و غیره در
6 روز بوجود آمدند، همزمان با آن آسمان ها در 2 روز خلق گردید؛
از اینجا مجموعه تعداد روز ها 8 نه بلکه 6 است.

بطور مثال اگر رییس یک شرکت ساختمانی بگوید که او یک
تعمیر 10 منزله را در 6 ماه اعمار می کند و بعد از تکمیل کار پروژه
هنگام شرح چگونگی اعمار ساختمان و ارایه معلومات بگوید که
ساختمان تهداب ها و تهکو تعمیر 2 ماه و اعمار 10 منزل 4 ماه را
در برگرفت و زمانیکه کار اعمار تعمیر در جریان بود او همچنان
دیوار احاطه را اعمار کرد که کار اعمار آن نیز 2 ماه طول کشید.

اگر توجه کنیم دانسته می شود که جمله نخست و جمله های
متعاقب باهم یکی اند و اظهارات دوم حساب دقیق و شرح

ساختمان را ارایه می‌کند.

آسمان ها و زمین همزمان خلق شدند

خداوند (ج) به شرح خلقت کاینات بارها در قرآنکریم اشاره کرده، گاهی گفته آسمان ها و زمین بطور مثال {7:54، 10:3، 11:7، 25:59، 32:4، 50:38، 57:4} و گاهی فرموده زمین و آسمان {49:12-9، 2:29، 20:4} که همه این ها معلومات بیشتر در مورد آیت 30 سوره الانبیا فراهم می‌دارند که در آن آیت در باره ی انفجار عظیم بحث صورت گرفته و بصورت واضح بیان می‌دارد که آسمان ها و زمین همزمان خلق شده‌اند.

آیت 29 سوره البقره:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

ترجمه: اوست آن کسی که آنچه در زمین است همه را برای شما آفرید مزید بر آن به [آفرینش] آسمان پرداخت و هفت آسمان را استوار کرد و او به هر چیزی داناست .

{قرآنکریم 2:29}

در اینجا اگر "ثُمَّ" را درمعنای غلط بکار ببریم، یعنی آنرا "سپس" و یا "بعد از آن" ترجمه کنیم، مفهوم این آیت با نظریه ی انفجار عظیم و سایر آیت های قرآنکریم در تضاد واقع می‌شود، از این جهت ترجمه صحیح کلمه "ثُمَّ" در این آیت "مزید بر آن" و یا "همزمان" است.

15- آفرینش انسان از سپرم و یا خاک؟

سوال: در یک جا قرآن گفته که انسان از خاک آفریده شده و در جای دیگر گفته که از سپرم آفریده شده؛ آیا این دو آیت در تضاد آشکار واقع نیستند؟ آیا بطور علمی با استفاده از ساینس می‌توانید به اثبات برسانید که انسان از خاک آفریده شده است؟

جواب:

آفرینش انسان از سپرم و خاک

قرآنکریم در آیت های متعدد به آغاز شکل گیری و خلقت انسان از یک قطره سپرم سخن می گوید. به تایید آیتی از سوره القیامه:

أَلَمْ يَكْ نُطْفَئْ مِنْ مَّنِيِّ يَمْنَى

ترجمه: آیا او نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته می‌شود نبود.

{قرآنکریم 75:37}

همچنان قرآنکریم در چند جای مختلف بیان می‌دارد که انسان از خاک آفریده شده که واضح آمده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تَرَابٍ
ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ
وَنُقَرِّرَ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ
لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّى

ترجمه: ای مردم اگر در باره برانگیخته شدن در شک اید پس

[بدانید] که ما شما را از خاک آفریده‌ایم سپس از نطفه سپس از علقه [خون بسته] سپس از گوشت پاره صورت داده و غیر صورت داده آفریدیم تا [قدرت خود را] بر شما روشن گردانیم و آنچه را اراده می‌کنیم تا مدتی معین در رحمها قرار می‌دهیم آنگاه شما را [به صورت] کودک برون می‌آوریم سپس [حیات شما را ادامه می‌دهیم] تا به حد رشدتان برسید و برخی از شما [زودرس] می‌میرد و برخی از شما به غایت پیری می‌رسد. {قرآنکریم 5:22}

در این عصر ما می‌دانیم که تمام عناصر تشکیل دهنده بدن انسان همه و همه به پیمانه کم و بیش در زمین وجود دارد. به این دلیل می‌توانیم آیتی را که در آن به آفرینش انسان از خاک دلالت دارد شرح کنیم که ساینس نیز بر صحت آن گواهی می‌دهد.

(دلیل دیگر این که هر آنچه انسان برای تولید سپرم نیاز دارد، بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم از خاک (زمین) بدست می‌آید؛ مانند آب، منرال‌ها، پروتئین و غیره که منبع سرشار پروتئین را حبوبات و گوشت حیوانات تشکیل می‌دهد و می‌دانیم که نباتات و سایر حبوبات بصورت مستقیم از منابع و عناصر موجود در زمین تغذیه می‌کنند. حیوانات نیز به نوبه خود بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم از زمین تغذیه می‌نمایند. به عبارت دیگر در زمین انواع علف و گیاه می‌روید که حیوانات از آن استفاده می‌کنند، در علوفه‌ها آهن، کلسیم، آیودین... به پیمانه‌های متفاوت موجود اند. انسان هم از گیاه‌ها و هم از گوشت حیوانات استفاده می‌کند که باز هم در هر دو صورت ارتباط وجود ما با عناصر موجود در خاک برقرار می‌گردد. - مترجم)

در بعضی آیت‌ها الله متعال فرموده است که انسان از سپرم و در بعضی دیگر فرموده که از خاک آفریده شده، با وجود این هم متن این دو آیت در مورد اجزای متشکله بدن انسان متضاد نیستند، زیرا تضاد و تناقض چیزی را گویند که در مخالفت با یکدیگر واقع باشند و یا یکدیگر را نقض کنند و هر دو همزمان یکجا واقع شده نتواند.

انسان از آب آفریده شده

در بعضی جاها قرآنکریم بیان می‌دارد که انسان از آب آفریده شده که مصداق آن در سوره الفرقان آمده است:

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا

ترجمه: و اوست کسی که از آب بشری آفرید و او را [اداری خویشاوندی] نسبی و دامادی قرار داد و پروردگار تو همواره تواناست. {قرآنکریم 25: 54}

امروز تحقیقات ساینسی هر سه دعوای قرآنکریم را به اثبات رسانیده یعنی انسان از سپرم، خاک و آب آفریده شده است.

این تضاد نیست، تشخیص است

به فرض مثال بگوییم برای ساختن یک پیاله چای به آب ضرورت داریم؛ سپس بگوییم به برگ‌های چای خشک نیز نیاز داریم. این دو جمله متضاد یکدیگر نیستند زیرا برای ساختن یک پیاله چای هم به آب و هم به برگ‌های چای احتیاج داریم. علاوه بر این اگر بخواهیم که چای را شیرین بسازیم، به شکر هم نیاز داریم.

پس زمانیکه قرآنکریم درباره خلقت انسان از سپرم، خاک و آب بحث می‌کند هیچ تضاد و تناقض در آن وجود ندارد؛ زیرا این تضاد نیست بلکه تشخیص است.

تشخیص به این معناست که درباره دو چیز مختلف در رابطه به یک موضوع بحث و صحبت شود اما تضاد و تناقض گویی در میان نباشد.

بطور مثال اگر بگوییم آن مرد کاملاً راستگوست و در عین حال یک دروغگوی حرفوی نیز است؛ این تضاد است زیرا یک شخص نمی‌تواند هم کاملاً راستگو و در عین حال یک دروغگوی محض و حرفوی نیز باشد. اما اگر بگوییم که آن مرد کاملاً صادق، مهربان و دوست داشتنی است، پس این جمله تشخیص است.

16 - الله (ج) فرمانروای دو خاور و دو باختر

سوال: الله (ج) در یک آیت فرموده که او مالک و فرمانروای مشرقین (دو مشرق یا دو خاور) و مغربین (دو مغرب یا دو باختر) است. چطور می‌توانید این آیت را بصورت علمی به اثبات برسانید؟
جواب:

الله فرمانروای مشرقین و مغربین است

آیتی که در آن خداوند (ج) خود را صاحب مشرقین (دو مشرق) و مغربین (دو مغرب) می‌خواند در سوره الرحمن است:
رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ

ترجمه: پروردگار دو خاور (دو مشرق) و پروردگار دو باختر (دو مغرب). {قرآن کریم 17:55}

در متن عربی قرآن کریم دیده می‌شود که کلمات مشرق و مغرب در صیغه ی جمع بکار رفته و دلالت به این دارند که الله (ج) صاحب، مالک و فرمانروای دو خاور و دو باختر است.

الله (ج) فرمانروای هر دو انتهای خاور و باختر

از علم جغرافیه می‌دانیم که خورشید از خاور طلوع می‌کند اما جایگاه نقطه طلوع ثابت نیست و در جریان سال متغیر است.

خورشید صرف دو روز در هر سال (روز اول برج حمل و روز اول برج میزان) دقیقاً از خاور طلوع می‌کند که منجمان آنرا اعتدال

شمسی می‌نامند؛ اما خورشید در متباقی روزها اندکی از طرف شمال و یا اندکی از طرف جنوب طلوع می‌کند.

خورشید در روز اول برج سرطان از یک انتهای خاور و در روز اول برج جدی از انتهای دیگر طلوع می‌کند که در این دو روز انقلاب شمسی رخ می‌دهد. به همین منوال خورشید در ایام تابستان در یک انتهای خاور و در ایام زمستان در انتهای دیگر باختر غروب می‌کند. این جریان را می‌توان در اکثر مناطق مانند شهر بمبی و از بالای آسمان خراش‌های بلند و دیگر نقاط مشابه که طلوع و غروب خورشید بخوبی قابل دید باشد، به سادگی مشاهده کرد. کسانی که در مناطقی با مشخصات بالا زندگی دارند به آسانی قادر به تفکیک نقاط مختلف طلوع و غروب آفتاب در روزهای تابستان و زمستان هستند. بطور خلاصه می‌توان گفت که در جریان سال، خورشید شاهد پیمودن نقاط مختلف در هنگام طلوع و غروب است. پس زمانی که خداوند (ج) خود را مالک و فرمانروای مشرقین و مغربین می‌خواند، به این معناست که او صاحب و فرمانروای هر دو انتهای خاور و باختر است.

الله (ج) صاحب و فرمانروای تمام نقاط خاور و باختر

در زبان عربی دو نوع صیغه ی جمع وجود دارد. یکی صیغه جمعی که به وجود دو شی، دوشخص یا دو محل دلالت دارد و دیگر صیغه جمعی است که برای بیشتر از دو یعنی برای سه، چار و بیشتر از آن دلالت دارد. در آیت 17 سوره /الرحمن لغاتی که استعمال شده مشرقین و مغربین است که صیغه ی جمع دارند و مراد آن دو خاور و

دو باختراست.

حال آیتی را از سوره /المعارج مورد مطالعه قرار می دهیم:
فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ

ترجمه: پس به پروردگار خاوران و باختران سوگند یاد می کنم که
ما تواناییم {قرآنکریم 40:70}

در این آیت دیده می شود کلمات /المشارق و /المغرب بکار رفته
اند که قرار قانون جمع بندی به بیشتر از دو دلالت دارند.
پس از تشریحات بالا و مطالعه دقیق آیت ها نتیجه می شود که
الله (ج) صاحب و فرمانروای تمام نقاط خاور و باختر هر دو انتهای
آنها است.

17. یک روز 1000 سال یا 50000 سال؟

سوال: الله (ج) در یک آیت به صراحت فرموده که یک روز در نزد
او برابر است با 1000 سال در حالیکه در آیت دیگر یک روز را
معادل 50000 سال می داند. آیا این بیانگر دو رنگی در قرآن
نیست؟
جواب:

تفاوت زمان نزد الله (ج) و بندگان

الله (ج) در دو آیت جداگانه (22: 47 ، 32: 5) فرموده که طول
یک روز در نزد او برابر با 1000 سال است و در آیت دیگر (70: 4)
یک روز را معادل به 50000 سال قرار محاسبه ما انسانها شمار

می‌کند.

از این آیت ها بخوبی وانمود می شود که اوقات و زمان در نزد الله (ج) با زمان و اوقات ما انسان ها قابل مقایسه نیست. الله (ج) با بیان 1000 سال و 50000 سال مطابق زمان بشر به ما مثال آورده تا تفاوت زمان نزد ما و نزد او را بدانیم. به عبارت دیگر هزارها سال بشر و یا یک زمان بسیار طولانی با یک روز که محاسبه ی آن نزد الله (ج) میباشد مساوی است.

"یوم" دوره را نیز گویند

لغت عربی یی که در این 3 آیت آمده "یوم" است که برعلاوه "یک روز" "معنای "یک دوره طویل" را نیز افاده می کند. اگر کلمه "یوم" را بصورت صحیح آن در این آیت ها ترجمه کنیم این سوء تفاهم از بین میرود.

الف: به سوره الحج نظر بیاندازید:

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ
كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

ترجمه: و از تو با شتاب تقاضای عذاب می کنند با آنکه هرگز خدا وعده اش را خلاف نمی کند و در حقیقت یک روز از قیامت نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می شمیرید. {قرآنکریم 22: 47}

زمانیکه کافران از پیغمبر (ص) طلب جزا برای کرده های شان کردند، الله (ج) در جواب آیتی نازل کرد و فرمود که او از وعده خود عاجز نیست و بدانیم که یک روز نزد او برابر با هزار سال از آنچه ما

شاهد هستیم می باشد^۱.

ب: در سوره/السجده الله متعال فرموده:

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ
مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

ترجمه: کار [جهان] را از آسمان [گرفته] تا زمین اداره می کند
آنگاه [نتیجه و گزارش آن] در روزی که مقدارش آن چنان که شما
[آدمیان] برمی شمارید هزار سال است به سوی او بالا می رود^۲.

این آیت اشاره دارد که زمان مقرر شده برای تمام امورات که نزد
خداوند (ج) پیش کرده شوند معادل به 1000 سال است.
{قرآنکریم 32: 5}

ج: حال آیتی را از سوره/المعارج مطالعه می کنیم:

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ

ترجمه: فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال
است به سوی او بالا می روند. {قرآنکریم 70: 4}

در این آیت الله (ج) فرموده که زمان مقرر شده برای فرشتگان و
روح (ها) تا به طرف الله (ج) بروند 50000 سال است.

د: لازم نیست که زمان مورد نیاز برای دو عمل مختلف یکسان
باشد. بطور مثال اگر بخواهیم یک مسافه ی نزدیک را بپیماییم، و یا

1- یعنی اگر خواهد کار هزار سال در یک روز تمام کند، پس این از سبب عزیز نیست بلکه بنابر مصاحبی است که جز او کسی نمی داند.

1- یعنی اگر مردمان نزول و تدبیر عروج او را تصور کنند در کمتر از 1000 سال خیال نمایند و آن هم پیش خدای تعالی در

یک روز تمام می شود. غرض آنست که او کام ایشان به قدرت او نبی رند. واللہ اعلم (مترجم)

ساده تر بگوییم بخواهیم از یک محل به محل دیگر در داخل شهر برویم، می‌توان این مسافه را در حدود یک ساعت پیمود ولی اگر بخواهیم یک مسافت دور را بپیماییم و از یک کشور به کشور دیگر مسافرت کنیم حدود 20 ساعت و یا کم و بیش را نظر به مسافه میان دو کشور در بر خواهد گرفت. تفاوت زمان در مثال بالا به این معنا نیست که ما دو جمله متضاد بیان کرده ایم زیرا مسافرت به دو محل مختلف به زمان منحصر به فرد نیاز دارد. از این مثال به وضوح هویدا می‌شود که نه تنها آیت‌های قرآن‌کریم در تضاد با یکدیگر قرار ندارند بلکه در هماهنگی کامل با حقایق به اثبات رسیده‌ی علم عصری گام به گام روان‌اند.

18 - ابلیس - جن یا ملک؟

سوال: قرآن چند بار از ابلیس به عنوان ملک نام برده اما در سوره کهف ابلیس را جن خوانده است. آیا این دو جمله مخالف یکدیگر نیستند؟

داستان ابلیس و فرشتگان در قرآن

درباره ی داستان آدم (ع) و ابلیس در آیت های متعدد قرآن کریم بحث صورت گرفته و الله (ج) فرموده "به فرشتگان امر کردیم تا به آدم سجده کنند - همه سجده کردند، بجز ابلیس." شرح چگونگی این جریان در آیت های زیر آمده:

- سوره البقره آیت 43
- سوره الحجر آیت 28-31
- سوره طه آیت 116
- سوره الاعراف آیت 17
- سوره الاسراء آیت 61
- سوره ص آیت 71-74

اما در آیت 50 سوره الکهف چنین اشاره شده:

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا

ترجمه: و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم آدم را

سجده کنید پس [همه] جز ابلیس سجده کردند که از [گروه] جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچید آیا [با این حال] او و نسلش را به جای من دوستان خود می‌گیرید و حال آنکه آنها دشمن شمايند و چه بد جانشينانی برای ستمگرانند. {قرآنکریم 18: 50}

قاعده تغليب در زبان عربی

از ترجمه بخش اول آیت "به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید پس همه جز ابلیس سجده کردند" تصویری در ذهن ما پیدا می‌شود که ابلیس از جمله فرشتگان بود. ما می‌دانیم که قرآنکریم به زبان عربی نازل شده است. در قواعد دستور زبان عربی یک قاعده تغليب نام دارد که نظر به آن اگر خطاب به اکثریت باشد، اقلیت را نیز شامل می‌شود.

بطور مثال اگر در یک صنفی که دارای 100 شاگرد باشد که 99 آن پسر و 1 دختر است؛ به زبان عربی به پسران امر شود که ایستاده شوند، این امر آن دختر را نیز شامل می‌شود که یگانه دختر در صنف است و ضرور نیست از او به تنهایی نام برد. به همین ترتیب زمانیکه در قرآنکریم داستان آدم (ع) و ابلیس ذکر شده، الله (ج) خطاب به فرشتگان می‌فرماید که آدم (ع) را سجده کنند در حالیکه در آنزمان ابلیس هم حضور داشت، لذا ضرورت نیست که به او امر جداگانه صادر شود و امر صادر شده دوباره تکرار شود. پس نظر به این آیت ممکن ابلیس از جمله جن‌ها بوده و یا فرشته باشد؛ اما از آیت 50 سوره الکهف فهمیده می‌شود که ابلیس از جمله جن‌ها بوده است.

در هیچ آیت قرآنکریم از ابلیس به عنوان فرشته یاد آوری نشده است. پس می‌توان گفت در ابلاغ این پیام چنانچه قبلا بیان کردیم هیچ تضاد در قرآنکریم وجود ندارد.

جن‌ها برخلاف فرشتگان خود مختار اند

نکته دیگری را که قابل یادآوری می‌دانیم این است که جن‌ها مانند انسان‌ها طبیعت آزاد دارند یعنی اگر خواسته باشند از اوامر الله (ج) اطاعت می‌کنند و اگر نخواهند می‌توانند راه بی‌اطاعتی پیشه گیرند، اما فرشتگان طبیعت آزاد ندارند و هیچگاه از اوامر الله (ج) سرپیچی و چشم‌پوشی نمی‌کنند. از این سبب احتمال نافرمانی فرشتگان از اوامر پرودگار پیدا نمی‌شود؛ این دلیل، دلیل‌های قبلی را بیشتر تقویت می‌کند و ثابت می‌سازد که ابلیس جن است نه ملک!

19 - نویسندہ ی قرآن (نعوذ باللہ) ریاضی نمی‌داند

سوال: از دیدگاه/ارون شوری¹ در قرآن اشتباه ریاضیکی وجود دارد. در آیت های 11 و 12 سوره النساء اگر حصه های میراث که به ورثه سپرده می شود باهم جمع شوند، بیشتر از یک می شود. از این سبب نظر به گفته ی /ارون شوری نویسنده قرآن (نعوذ باللہ) ریاضی نمی‌داند. جواب: الله (ج) در مورد میراث در آیت های متعدد ارشاد نموده:

- سوره البقره آیت 180 و 240

- سوره النساء آیت 19، 33

- سوره المائده آیت 105 و 108

اما درباره چگونگی تقسیم میراث بین وارثان رهنمود واضح در سوره النساء آیت های 11، 12 و 176 بیان شده است:

حالا می خواهیم آیت های مورد نظر /ارون شوری را مورد بحث قرار دهیم:

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفَعًا

1- ارون شوری یکی از سرسخت ترین کنو،بگمران اسلام در هندوستان است. (مترجم)

فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

ترجمه: خداوند به شما در باره فرزندانان سفارش می‌کند سهم پسر چون سهم دو دختر است و اگر [همه ورثه] دختر [و] از دو تن بیشتر باشند سهم آنان دو سوم آنچه میت گذاشته است می‌باشد و اگر [دختری که ارث می‌برد] یکی باشد نیمی از میراث از آن اوست و برای هر یک از پدر و مادر وی [=متوفی] یک ششم از ماترک [مقرر شده] است این در صورتی است که [متوفی] فرزندی نداشته باشد ولی اگر فرزندی نداشته باشد و [تنها] پدر و مادرش از او ارث برند برای مادرش یک سوم است [و بقیه را پدر می‌برد] و اگر او برادرانی داشته باشد مادرش یک ششم می‌برد [البته همه اینها] پس از انجام وصیتی است که او بدان سفارش کرده یا دینی [که باید استثنا شود] شما نمی‌دانید پدران و فرزندانان کدام یک برای شما سودمندترند [این] فرضی است از جانب خدا زیرا خداوند دانای حکیم است.

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لِهِنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرَّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُّوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلِهِنَّ الرَّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلِهِنَّ النُّصْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِن كَانُوا أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ

ترجمه: و نیمی از میراث همسرانان از آن شما [شوهران] است اگر آنان فرزندی نداشته باشند و اگر فرزندی داشته باشند یک

چهارم آنچه میت گذاشته از آن شماسست [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اند یا دینی [که باید استثنا شود] و یک چهارم از میراث شما برای آنان است اگر شما فرزندی نداشته باشید و اگر فرزندی داشته باشید یک هشتم از میراث شما برای ایشان خواهد بود [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اید یا دینی [که باید استثنا شود] و اگر مرد یا زنی که از او ارث می‌برند کلاله [=بی‌فرزند و بی‌پدر و مادر] باشد و برای او برادر یا خواهری باشد پس برای هر یک از آن دو یک ششم [ماترک] است و اگر آنان بیش از این باشند در یک سوم [ماترک] مشارکت دارند [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش شده یا دینی که [باید استثنا شود به شرط آنکه از این طریق] زبانی [به ورثه] نرساند این است سفارش خدا و خداست که دانای بردبار است. {قرآنکریم 4: 11و12}

دین اسلام قانون تقسیم مال میراث را بین وارثان با وضوح کامل بیان کرده طوریکه کلیات اساسی و عمده ی آن در قرآنکریم و تشریح یک به یک اجزای آن در احادیث صورت گرفته و آنقدر ژرف است که می‌توان تمام عمر را صرف تحقیق قوانین اسلامی میراث و آن جزییات نمود.

حال آنکه/رون‌شوری می‌خواهد تمام قوانین میراث را با خواندن سرسری دو آیت و برداشت مفهوم ظاهری و نامکمل از قرآنکریم بدون دانستن جزییات آن فراگیرد.

این حالت شبیه به کسی است که می‌خواهد یک معادله ریاضی را حل کند اما قواعد اساسی و ابتدایی ریاضیات را نداند. در حل مسائل

ریاضی قانونی به نام ¹BODMAS وجود دارد که نظر به این قانون باید در حل معادلات ریاضی ابتدا داخل قوس ها را ساده ساخت، سپس به ترتیب عملیه تقسیم و ضرب را اجرا می گردد، بعد عملیه جمع و در نهایت عملیه تفریق اجرا می شود.

حالا اگر ارون شوری اساسات ریاضی را ندانسته به بحث میراث بپردازد طوری که نخست عملیه ضرب، بعد تفریق، سپس قوس ها را ساده سازد و بعد از آن عملیه تقسیم را اجرا کند و در اخیر همه را باهم جمع کند، حتما جواب اشتباه بدست می آید.

قانون میراث که در آیت های 11 و 12 سوره النساء شرح داده شده، شبیه به مثال بالا است. باوجود اینکه حقوق فرزندان در ابتدای آیت ذکر گردیده و به تعقیب آن حصه ی والدین و همسر، نظر به قانون میراث در اسلام بعد از وفات نخست قرض و بدهی شخص در صورتی که مقروض باشد پرداخته می شود، بعد از آن حصه ی والدین و همسر با در نظر داشت اینکه از متوفا فرزند بجا مانده یا خیر پرداخته می شود، سپس نظربه قانون شرع دارایی منقول و غیر منقول که باقی مانده بین پسران و دختران تقسیم می شود.

از تشریحات بالا دانستیم که حاصل جمع میراث تقسیم شده بین ورثه بیشتر از یک نمی شود. پس واضح است که الله (ج) کاملاً به علم ریاضی بیشتر از هر عالم دنیا آگاهی دارد، اما این ارون شوری است که از علم ریاضی و قواعد آن واقف نیست!

¹ BO = Brackets Off, B = Brackets, O = Off, D = Division, M = Multiplication, S = Subtraction, A = ضرب

Addition جمع, S = Subtraction تفریق - مترجم

20 - الله (ج) بخشاینده یا انتقام گیرنده؟

سوال: قرآنکریم در عموم آیت ها از بخشایش و مهربانی بی نهایت الله (ج) صحبت می کند. اما درعین حال دیده می شود که از مجازات نیز در قرآنکریم زیاد یاد شده است. پس آیا الله (ج) بخشاینده است یا کینه توز؟
جواب:

الله (ج) نهایت مهربان است

الله (ج) بارها در قرآنکریم فرموده که او نهایت مهربان است. در حقیقت تمام سوره های قرآنکریم به استثنای سوره التوبه یعنی متباقی 113 سوره همه با بهترین فورمول که "بسم الله الرحمن الرحيم" یعنی "بنام خداوند بی نهایت بخشاینده و مهربان" است آغاز می شود.

الله (ج) نهایت بخشاینده است

الله (ج) در تعداد زیاد آیت ها فرموده که او بخشاینده است. بطور مثال قسمتی از آیت 25 سوره النساء و آیت 74 سوره المائده را اینجا نقل می کنیم که از الطاف بی پایان الله (ج) حکایت می کند:

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ترجمه: خداوند آمرزنده مهربان است. {قرآنکریم 4: 25 و 5:

{74

الله (ج) به هر شخص سزاوار جزای مناسب می‌دهد

باوجود اینکه الله (ج) بخشنده و مهربان است او همچنان در مجازات کردن اشخاص گناهکار و واجد شرایط سختگیر است. قرآنکریم بارها در باره ی اینکه الله (ج) مجازات سخت به کافران و کسانی که از حقانیت اسلام منکر اند می‌دهد و آنها را مورد قهر و غضب خود قرار داده و مجازات سنگین برای آنها مقرر داشته زبان می‌گشاید و در آیت های متعدد از انواع مختلف مجازات و نحوه تطبیق آن در جهنم خبر داده است.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ
بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا

ترجمه: به زودی کسانی را که به آیات ما کفر ورزیده‌اند در آتشی [سوزان] درآوریم که هر چه پوستشان بریان گردد پوستهای دیگری بر جایش نهیم تا عذاب را بچشند آری خداوند توانای حکیم است.
{قرآنکریم 4: 56}

الله (ج) نهایت عادل است

سوال اینجاست که الله (ج) بخشاینده است یا کینه توز و انتقام گیرنده؟ نکته ی مهم که لازم به یاد آوریست اینکه الله (ج) برعلاوه بخشایش و مهربانی جزای سخت به افراد بد و سزاوار می‌دهد، به نهایت درجه عادل نیز است. در سوره النساء عدالت الهی را ببینید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا

ترجمه: در حقیقت خدا هم وزن ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر [آن ذره کار] نیکی باشد دو چندانش می‌کند و از نزد خویش پاداشی بزرگ می‌بخشد. {قرآنکریم 4: 40}

مزید بر این در سوره الانبیاء فرموده:
وَنَضْعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ
مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ

و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می‌نهمیم پس هیچ کس [در] چیزی ستم نمی‌بیند و اگر [عمل] هموزن دانه خردلی باشد آن را می‌آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم {قرآنکریم 21: 47}

مثال شاگردی که متوصل به نقل میشود

فرض کنیم در جریان امتحان یک شاگرد متوصل به نقل می‌شود و استاد او را با ثبوت دستگیر می‌کند، حالا اگر استاد بگوید من بسیار مهربان و رحم دل هستم و شاگرد مذکور را می‌بخشم و به او اجازه می‌دهم کارش را ادامه دهد و کاری با او ندارم. در چنین وضعیت شاگردانی که زحمت کشیده و مشکلات درس را متحمل شده‌اند، استاد متذکره را بخشنده و مهربان ندانسته و او را شخص عادل نمی‌خوانند و در عین حال این عمل غیرعادلانه او زمینه نقل را برای دیگران فراهم می‌سازد و آنها را تشویق می‌کند تا به نقل اتکا کرده، عین عمل را اجرا کنند.

اگر تمام استادان به همین شکل بخشنده و مهربان باشند و به شاگردان اجازه دهند تا به نقل تکیه کنند، هیچ شاگردی باقی

نخواهد ماند که برای امتحان آمادگی بگیرد و همه با غش و فریب ارتقا خواهند کرد. نتیجه ی امتحان بسیار عالی خواهد بود زیرا تمام شاگردان نمرات پوره اخذ می نمایند. اما در حقیقت این شاگردان زندگی نامطلوبی را سپری می کنند و تا پایان عمر با مشکلات مواجه می شوند و باید یادآور شد که اگر به این روند عمل شود ماهیت امتحان بکلی از بین میرود.

زندگانی امتحان آخرت است

زندگی و اعمال در این دنیا گهواره برای آخرت است. الله (ج) چنانی که در سوره الملک مهربان شده:

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْغَفُورُ

ترجمه: همانکه مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده. {قرآنکریم 67: 2}

اگر الله (ج) همه را ببخشد، کسی اطاعت نخواهد کرد

اگر الله (ج) احدی را مجازات نکند و همه را بیامزد، پس چرا انسان ها از اوامر او اطاعت کنند؟ قبول می کنم که در این حالت تمام انسان ها به بهشت می روند و کسی به جهنم فرستاده نخواهد شد ولی باید بدانیم که این جهان نیز برای زندگی به محل بدتر از جهنم مبدل خواهد شد.

اگر قرار باشد تمام انسانها به بهشت بروند، پس دلیل خلقت انسان در این دنیا چه شد؟ در اینصورت زندگی در این دنیا دیگر

امتحان برای آخرت نیست!

الله (ج) در صورتی می آمرزد که توبه کنیم

الله متعال صرف در صورتی از گناه بندگان می گذرد که شخص گناهکار ندامت کرده و در بدل کرده های خود عذر خواهی کند.

لطف بی پایان الله (ج) را در سوره الزمر ببینید:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

ترجمه: بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته‌اید از رحمت خدا نومید مشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.

و از بندگان می خواهد که قبل از دچار شدن به عذاب به او تسلیم شوند:

وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ

ترجمه: و پیش از آنکه شما را عذاب در رسد و دیگر یاری نشوید به سوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم او شوید.

و یا:

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

ترجمه: و پیش از آنکه به طور ناگهانی و در حالی که حدس نمی‌زنید شما را عذاب در رسد نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی

شما نازل آمده است پیروی کنید. {قرآن کریم 39: 53-55}
باید یادآور شویم که برای توبه چار مشخصه ذکر شده:
ابتدا باید اعتراف کنیم که عمل زشت است، بعد باید بصورت
فوری از اجرای آن اجتناب کنیم، سپس عهد کنیم که در آینده از
تکرار آن خود داری می کنیم و در نهایت اگر به کسی زبان رسانیده
ایم و او را متضرر ساخته ایم، بلافاصله آنرا اعاده کرده و جبران
خساره نماییم.

و من الله توفیق

چهارشنبه

شب 1389/08/19

مطابق 1431/12/03

فهرست موضوعات

- 1- آیا قرآن توسط شیطان نوشته نشده؟ (نعوذ بالله) ----- 1
- 2- قرآن حاضر قرآن اصلی و یا نسخه حضرت عثمان (رض)؟ ----- 5
- محمد (ص) متن نوشته شده قرآن را نظارت و تصدیق می نمود ----- 5
- ترتیب و مترادف قرآن از جانب الله (ج) الهام گردیده ----- 6
- قرآن در روی یک ماده نقل گردید ----- 7
- عثمان (رض) قرآن را از نسخه ی اصلی رونویس کرد ----- 7
- نشانه های زیر و زیر برای عجم افزود گردید ----- 9
- الله (ج) از قرآن حفاظت می کند ----- 10
- 3- آیا اسلام خشونت را ترویج می دهد؟ ----- 11
- آیت سوره التوبه ----- 11
- این آیت در جریان نبرد نازل گردیده ----- 11
- مثال جنگ امریکا و ویتنام ----- 12
- این آیت برای تقویه روحیه نازل گردید ----- 13
- پرش از آیت 5 به 7 ----- 13
- جواب در آیت ششم است ----- 14
- 4- اگر الله (ج) یکتاست، چرا در قرآن ضمیر "ما" استعمال شده؟ ----- 15
- 5- نظریه ی نسخ در مورد قرآن ----- 17
- دو تعبیر متفاوت ----- 17
- کتابی مانند قرآن، 10 سوره یا 1 سوره ----- 18
- منع تدریجی مسکرات ----- 21
- قرآن عاری از تضاد است ----- 25
- 6- معنای حروف مقطعات ----- 26

- 26-----حروف مقطعات
- 28-----معنای حروف مقطعات
- 29-----بهترین تعبیر حروف مقطعات
- 32-----کیفیت معجزه آسای قرآن همواره بعد از حروف مقطعات ذکر شده
- 33-----7- زمین هموار یا بیضوی؟
- 33-----زمین مانند فرش ساخته شده
- 34-----فرش بالای سطح نا هموار نیز گسترده می شود
- 35-----زمین مبسوط است
- 36-----زمین شکل بیضوی دارد
- 37-----8- تشخیص جنسیت طفل در بطن مادر
- 37-----الله (ج) بر همه چیز علم دارد
- 38-----جنسیت طفل و التراسونوگرافی
- 38-----کلمه "جنسیت" در متن قرآن نیامده
- 39-----هیچ کس بجز الله (ج) خوی و خاصیت طفل را نمی داند
- 40-----9- حور
- 40-----کلمه "حور" در قرآن
- 40-----کلمه "حور" "دوشیزه های زیبا" ترجمه شده
- 41-----معنای کلمه "حور"
- 43-----10- اثبات وجود الله برای ملحد
- 43-----مبارکباد به ملحد
- 44-----تصور منطقی الله
- 46-----قرآن و ساینس جدید
- 47-----علم نظری احتمالات
- 50-----الله (ج) نویسنده قرآن است
- 50-----قرآن کتاب نشانه ها است نه ساینس

- 51 ----- ساینس انواع خدا را محوه میکند نه خدا را!!
- 53 ----- 11- آیا قلب مسوول فهم و ادراک است؟
- 53 ----- خداوند (ج) بر قلب کافران مهر نهاده
- 54 ----- "قلب" در عربی هم به معنای "دل" و هم "عقل" -----
- 54 ----- "قلب" مرکز ادراک -----
- 54 ----- گاهی معنای لفظی و مجازی بعضی کلمات متفاوت است -----
- 56 ----- "قلب" مرکز محبت و احساسات -----
- 56 ----- عرب ها می دانند... -----
- 57 ----- 12- بت جهت تمرکز افکار استعمال می شود -----
- 57 ----- مسلمانان به درجه عالی هوشمندی رسیده اند -----
- 57 ----- پرسش کودک در مورد رعد -----
- 59 ----- کسانی که در صنف اول به بت جهت تمرکز نیاز دارند... -----
- 61 ----- 13- الله (ج) بر قلب های کافران مهر نهاده -----
- 61 ----- الله (ج) بر قلب کافرانی مهر نهاده که پیهم حقیقت اسلام را رد می کنند -
- 62 ----- پیشگویی معلم در مورد شاگرد -----
- 63 ----- 14- خلقت زمین و آسمان در 6 روز یا 8 روز؟ -----
- 63 ----- آسمان ها و زمین در 6 روز خلق شده اند -----
- 65 ----- "ثُمَّ" به معنای "مزید بر این" است -----
- 67 ----- آسمان ها و زمین همزمان خلق شدند -----
- 68 ----- 15- آفرینش انسان از سپرم و یا خاک؟ -----
- 68 ----- آفرینش انسان از سپرم و خاک -----
- 70 ----- انسان از آب آفریده شده -----
- 70 ----- این تضاد نیست، تشخیص است -----
- 72 ----- 16 - الله (ج) فرمانروای دوخاور و دوباختر -----
- 72 ----- الله فرمانروای مشرقین و مغربین است -----

- 72 ----- الله (ج) فرمانروای هردو انتهای خاور و باختر
- 73 ----- الله (ج) صاحب و فرمانروای تمام نقاط خاور و باختر
- 74 ----- 17. یک روز 1000 سال یا 50000 سال؟
- 74 ----- تفاوت زمان نزد الله (ج) و بندگان
- 75 ----- "یوم" دوره را نیز گویند
- 78 ----- 18 - ابلیس - جن یا ملک؟
- 78 ----- داستان ابلیس و فرشتگان در قرآن
- 79 ----- قاعده تغلیب در زبان عربی
- 80 ----- جن ها برخلاف فرشتگان خود مختار اند
- 81 ----- 19 - نویسنده ی قرآن (نعوذ بالله) ریاضی نمی داند
- 85 ----- 20 - الله (ج) بخشاینده یا انتقام گیرنده؟
- 85 ----- الله (ج) نهایت مهربان است
- 85 ----- الله (ج) نهایت بخشاینده است
- 86 ----- الله (ج) به هر شخص سزاوار جزای مناسب می دهد
- 86 ----- الله (ج) نهایت عادل است
- 87 ----- مثال شاگردی که متوصل به نقل میشود
- 88 ----- زندگانی امتحان آخرت است
- 88 ----- اگر الله (ج) همه را ببخشد، کسی اطاعت نخواهد کرد
- 89 ----- الله (ج) در صورتی می آمرزد که توبه کنیم